

مجله شماره ۵۵
مجله ادبی آنی

<http://aniletters.com>

۱۹ دی ۱۴۰۳



نخستین مجله ۵ زبانه
فارسی، ارمنی، انگلیسی،
روسی، ایتالیایی و فرانسه
در ۵ صفحه

- گفتگو با تهیه کننده، کارگردان و نویسنده ارجمند
گرامی جناب آقای "داوود قاسمی" که با ایشان به
گفتگو نشسته ایم.

- مروری بر کلیساهای آرامنه استان آذربایجان
غربی. (برگرفته از فصلنامه پیمان)

- تنوع قومی و مذهبی چگونه به هویت سوریه
شکل داده است؟

۰۹۲۲۳۷۸۹۱۸۰

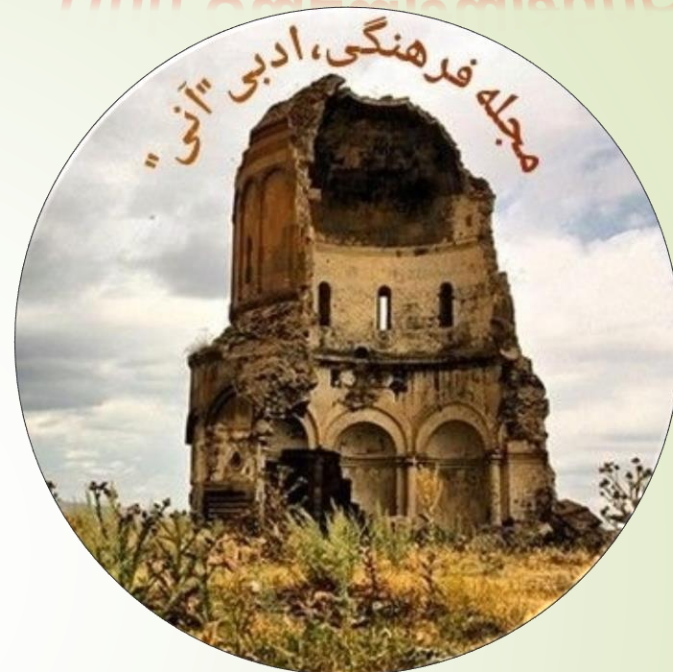
مجله آنی



@anita_arzoomanian

Անի Շաբաթաթերթ

Գրական և Գեղարվեստական



2025

4-3.....	مقدمه
23-17.....	بزرگان شعر
43-34.....	شعرشاعران
26.....	ادبیات ارمنی
29	ادبیات ایران
24.....	ادبیات جهان
50.....	موسیقی
68-57.....	مصاحبه
11-6	تبلیغات
46-44.....	ترجمه استاد اجتماعی فرد



*Wishing you laughter, love,
and all the good things life
has to offer in 2025.*

کتاب "داویت ساسونیک؛ ترجمه آندرانیک خچومیان وارد بازار شد.

3

«Սասնա ծռեր» էպոսը պարսկերենով



#آراکس نیوز: "آندرانیک خچومیان" بازیگر، کارگردان و مترجم پرکار کشورمان کار جدید خود ترجمه حماسه "داویت ساسونی" به روایت نائیری زاریان"، نویسنده معاصر ارمنستان که توسط انتشارات "آیاس" به زیور چاپ آراسته شده است را راهی بازار کرد.

حماسه "داویت ساسونی" از داستانهایی است که ریشه در تاریخ ملت ارمنی دارد و از گذشته های دور سینه به سینه و نسل به نسل به قرون اخیر رسیده است. در برخی اسناد قدمت این اثر مردمی که اولین خالق آن معلوم نیست هزار سال تخمین زده می شود. این حماسه به شکل منظوم بوده و عمدتاً توسط گوسان ها (عاشیق ها) برای مردم خوانده می شده است.

بعد ها در سال ۱۸۷۴ اسقف "گارگین سرواندزیان" اولین بخش مکتوب این اثر حماسی را با تکیه بر آواز های مردمی جمع آوری و چاپ کرد و پس از آن بخش های جدیدی از آن را تهیه نمود و در اختیار خوانندگان گذارد.



قرن بیستم را شاید بتوان قرن جمع آوری و تکمیل نمونه های این اثر حماسی دانست که نویسندگان بنام دیگری از جمله "هوانس تومانیان" اقدام به بازنویسی این اثر نمودند. اما آنچه "نائیری زاریان" به آن همت گمارد تبدیل نظم به نثر و خلاصه نویسی این اثر تاریخی بود که ترجمه حاضر نیز از روی آن تهیه شده است.

شاید یکی از ارزش های بی بدیل ترجمه آندرانیک خچومیان همانا ایجاد نزدیکی هر چه بیشتر دو ملت ایرانی و ارمنی است، چرا که داستان های حماسی ریشه در باورها مبارزات و تاریخ ملت ها دارند. از این رو ضمن تشکر از مترجم گرامی خوانندگان را به تهیه و مطالعه این اثر فاخر دعوت میکنیم.



طراح وبسایت: داوود محمد کیا
@Esher. Official



دسته بندی موضوعی: ادبیات
دوره انتشار: دو هفته نامه
مدیر مسئول: آنیتا- آرزو مانیان
شماره: پنجاه و پنج

پست الکترونیکی:

www.ani.arzoomanian@yahoo.com

تلگرام:

t.me/aniletters

اینستاگرام:

[@Anita_Arzoomanian](https://www.instagram.com/Anita_Arzoomanian)

وب سایت:

www.aniletters.com

www.anipoetry.ir

آلبرت آرتاکس یانس

قلم زنی دستی سبک تبریزی روی فلزات
گرانبها، ساخت و تعمیر انواع ظروف و
زیور آلات.
جهت سفارش با شماره تلفن زیر تماس
حاصل فرمایید.

۰۹۱۹۰۲۶۶۵۵۲

آرمن نظریانس

فروشگاه شاییک، عرضه کننده البسه
مردانه، انواع پیراهن و شلوارهای مردانه.
آدرس: پاسداران، هروی، خیابان
موسوی (گلستان ۵)، مرکز خرید
مایسا، طبقه ۱، رمپ ۳، پلاک R۵۸
و.... عکاسی از محصولات، ساخت ویدیو
تبلیغاتی، ساخت و طراحی لوگو، تولید
محتوای آموزشی
تلفن:

۰۹۳۹۲۲۲۱۲۰۱-۲۶۷۵۸۰۱۷

خرید، فروش و تعمیرات تخصصی لپ تاپ و
قطعات.
شماره تماس:

۰۹۱۰۱۴۴۹۹۶۶

قلم زنی و نقره سازی ادوارد

ساخت انواع منسوجات نقره جهت سفارش با
شماره تلفن های زیر تماس حاصل فرمایید.

۶۶۷۱۰۰۳۹

۰۹۱۹۵۰۸۸۵۳۶

دکتر بهزاد هوشمند

متخصص و جراح بیماری های لته و ایمپلنت

۲۲۰۱۹۳۶۶

۲۲۰۱۹۰۷۳

مدرس انجمن خوشنویسان ایران

7






ԼճԿՈՍՏ

ՎԵՐԻՔ ՏՆԻՆ Կ ԵՂ ԻՂ ՏՈՒՆ

4-12 տարեկան երեխաների համար

Basic: Ամուս մշտնալ քրտեզ ք արտ

- Մադ Ը. Մեք ք Ներքիկ ԲԱ Յրտոլ
- Մադ Թ. Մեք ք Ներքիկ ճեղ
- Մադ Ծ. Մեք ք Ներքիկ քիշրՅտ
- Մադ Կ. Ամուս Յրտ
- Մադ Ծ. Ամուս Յտսիք
- Մադ Կ. Ամուս Կսր

Մադնա:
Քրքոճ ճրկ Մադիք ՔիաՅ

ՄաթնաթիկաՅի հաճվարկները
ավելի հնուտ և արագ կատարելու
նպատակով



**ՄաթնաթիկաՅի հաճվարկները
ավելի հնուտ և արագ կատարելու
նպատակով**




ԼճԿՈՍՏ

ՄԱՍԻՔ ՏՐԻՔ ՔիաՅ


ՎՅՐԱՅի ՏՐԵՔ ՄԱՍԻՔ ԵՂ ԻՂ ԻՂ

ՎԵՐԻՔ ՏՆԻՆ Կ ԵՂ ԻՂ ՏՈՒՆ

10-18 տարեկան երեխաների համար

Տրտ Բնճի:
Յրտ ՄադնաՅի
Յրտ քիշրՅտ
ՏաՅիք
Տոն, Յճր, Մադնա
Տոն 3, Լգարիք ք Յտսիք
Տաճիլ Յրտ ք ՏաՅիք

Արճադ Քիշտե:
Տաճե Տր ճրճ Մաճաճաթ քիճիճե ՔիաՅ
ԱճրաՅի ճճտ ք Մաճր
ճաճ ՏոնաՅի ճր արաճե ՔիաՅ Մաճաճաթ Մաճաճաթ

ՄաթնաթիկաՅի հաճվարկները
ավելի հնուտ և արագ կատարելու
նպատակով



راه های ارتباطی با مجله ادبی - آنی
برای ارسال آثار خود.

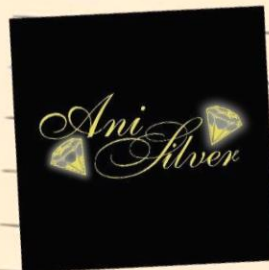
واتساپ و تلگرام ۰۹۲۲۳۷۸۹۱۸۰

[@anita_arzoumanian](https://www.instagram.com/anita_arzoumanian)

[@aniarzoumanian](https://www.instagram.com/aniarzoumanian) دایرکت

آنیتا آرزومانیان

Follow

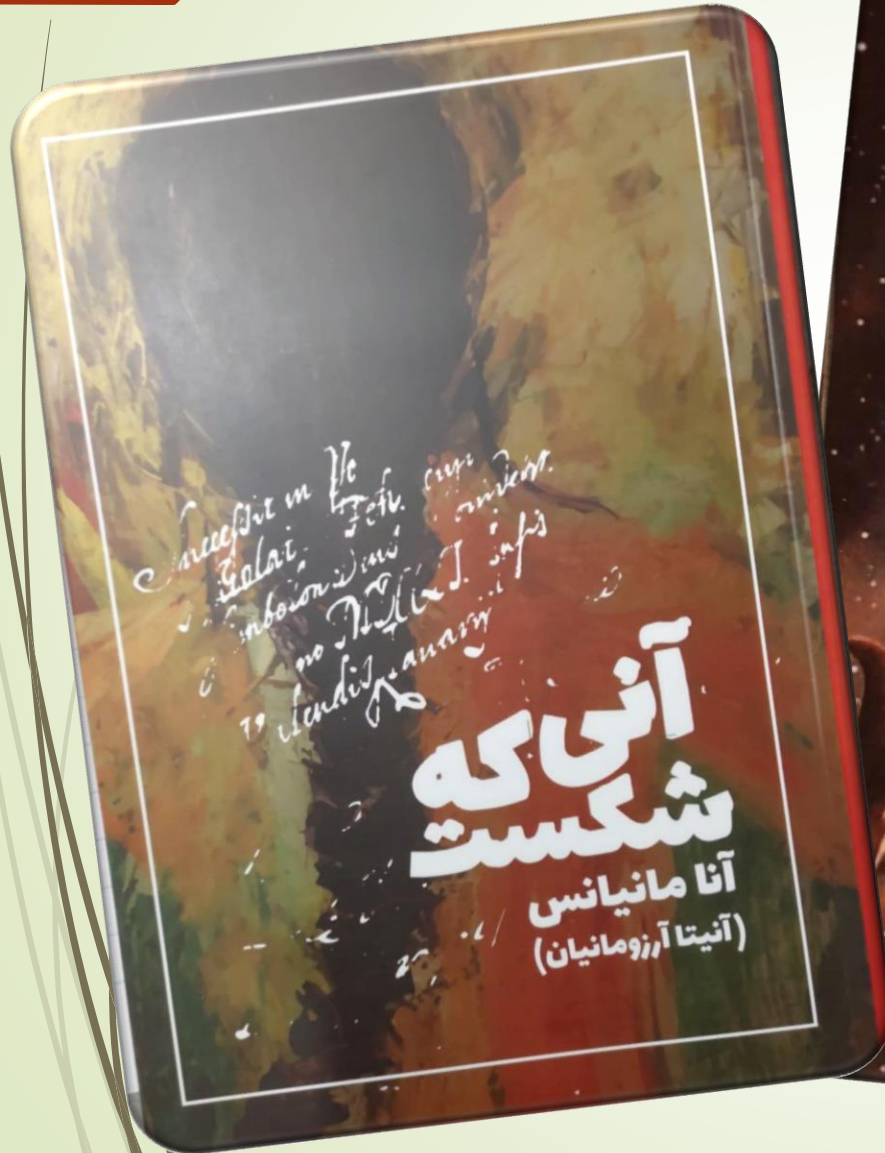


آنی
سیلور

برای سفارش با شماره تلفن زیر

تماس حاصل فرمایید. ۰۹۱۹۵۰۸۸۵۳۶

ویا به دایرکت پیام دهید [@ann.isilver](https://www.instagram.com/ann.isilver)





صوتی حکایت شیرو گاو در
کلیله و دمنه از نصرالله منشی
که برای کودکان به نثر ساده، به نگارش در
آورده‌ام
نویسنده! طاهره ترسلی
راوی حکایت! مریم خادمی
سنزبه! مریم شبانی
شیر! پیمان رسمی

با تشکر از مجری و گوینده محترم، خانم
مریم خادمی و گروه گویندگی.

پخش صوتی ان در تلگرام به ادرس زیر می
باشد.
@taherehtarassoli



سنزبه کتاب پند آموز از کلیله
و دمنه برای کودکان عزیز
سنزبه گاو داستان با لهجه
شیرین کاشانی وارد داستان می
شود.

صوتی کتاب سنزبه دیروز به دستم
رسید.

С Новым годом! Пусть новый год принесёт много новых достижений, крепкого здоровья и любви, пусть задуманное сбудется. Пусть счастьем и добротой будет наполнен каждый дом. Пусть вдохновение и любовь сделают жизнь светлее и ярче. Пусть год идущий будет светлым, приносящим много положительных эмоций, здоровья, достатка и улыбок на лицах родных и близких людей. Пусть источник добра и тепла в твоей душе согревает тебя и твое окружение. С Новым годом!



1930 թ. բեմադրվում է Սպենդիարյանի «Ալմաստ» օպերան, 1935 թ-ին՝ Ա. Ստեփանյանի «Զաջ Նազար» երգիծական օպերան (1936 թ-ին Ա. Ստեփանյանը գրում է «Սասունցի Դավիթ» օպերան); Օպերայի ժանրում ստեղծագործում են Ա. Մաիլյանը, Ա. Այվազյանը, Լ. Ջոզա-Էյնաթովը, Ս. Բալասանյանը և ուրիշները:

1930 թվականից սկսվում է 20-րդ դարի խոշորագույն կոմպոզիտորներից մեկի՝ Արամ Խաչատրյանի ակտիվ երաժշտական գործունեությունը:

Հայ երաժշտարվեստի զարգացման համար իր ազդեցությունն ունեցավ Երկրորդ Համաշխարհային Պատերազմը: Այդ տարիներին, ստալինյան դաժանագույն բռնատիրության պայմաններում, ելևելով քաղաքական իրավիճակից, ստեղծվում են Խորհրդային կարգերի և Ռուսաստանի հանդեպ հայ ժողովրդի հավատարմությունը հռչակող Էստրադային երգեր, որոնց հեղինակներն են՝ Արամ Խաչատրյանը, Գրիգոր Եղիազարյանը, Մ. Միրզայանը, Ա. Այվազյանը, Արամ Մերանգուլյանը և ուրիշները, ինչպես նաև դասական ստեղծագործություններ (Ա. Խաչատրյանի II՝ և Ա. Ստեփանյանի I սիմֆոնիան, Գրիգոր Եղիազարյանի «Հայաստան» սիմֆոնիկ պոեմը, Տ. Տեր-Մարտիրոսյանի ստեղծագործությունները և այլն):



یادداشت های دکتر احمد نوری زاده گزیده ای از مجموعه «ماندگاران خاطره های من» (بخش یازدهم) تهیه و تدوین: ایساک یونانسیان

ادبیات عنصری از فرهنگ
عمومی جامعه و نمودی از
تمدی آن است.



و با اطلاعات ناقص خود از دوران های گونه گون تاریخ بشری، به ویژه توتیمیزم، همچنان با مقوله «پدرکشی نخستین» و «عقدۀ ادیپ» کلنچار برود و همچنان، باعث همه دشواری های روانی انسان را وجود غریزۀ جنسی قلمداد کند و بی خبر از دستاوردهای روان شناسی علمی و دستاوردهای ایوان میخایلوویچ سچنوف درباره ساختمان نیمکره های مغز و اعصاب مرکزی و بازتاب های مشروط و صدها اعجاز طبیعت در تکامل ساختمان مغز و ضمیر ناخودآگاه و پردۀ خاکستری و قشر مخ و چیزهای دیگر مربوط به روان شناسی، که از حیطة آگاهی های حقیر بی تقصیر فراوان دور است و خوانندۀ همیشه بخشاینده پرچانگی های فعله های راستین قلم و فضل فروشان بی مایۀ هرزه را مطمئن کنم که قصدم از قلمی کردن این اندک تنها واگویی شتابناک چند خاطره اینک به دور مانده است که دلیل بازنگری آنها را به ناگزیر باید در رازواره های هزار توی مغز جست و جو کرد و محرک های خارجی.

از غنیمت روزهای تعطیل نوروزی، که شهر پر تپش آسمان خراش ها و آهن پاره های الوان و شتابناک موتوری، که دود مسموم در ریه ها می انبارند و جنون صوتی را به جمجمه ها پمپاژ می کنند، به یکباره تهی می شود و خیابان ها و کوچه های شهر خسته از هیاهو و جنجال جنون آمیز خجولانه عریانی پر شکوفۀ بهاری خود را برملا می کنند،

۳۳مروری بر کلیساهای ارامنه استان آذربایجان غربی (بخش اول)

نویسنده: نادره شجاع دل

الف: کلیسای ارمنیان بومی

ب: کلیسای ارمنیان غیر بومی

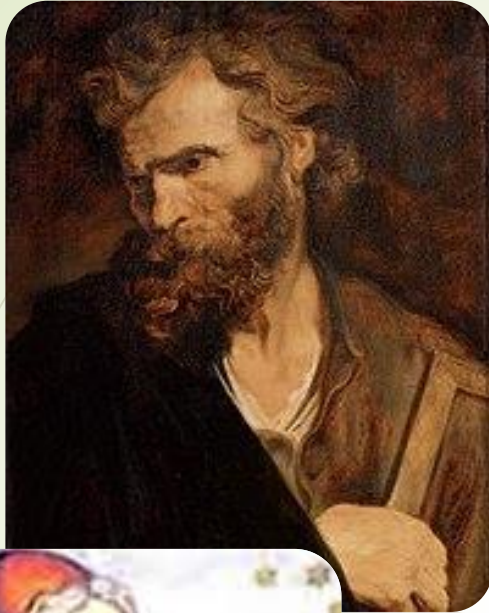
منظور از کلیساهای ارمنیان بومی آن دسته از کلیساهایی هستند که بیشتر در مناطق شمال غرب ایران واقع شده اند و معماری آنها دنباله سبک معماری کلیساهای ارمنستان است. اما، دسته دوم کلیساهایی هستند که به دست ارمنیان غیر بومی و مهاجر در اکثر نقاط ایران ساخته شده اند.

در بررسی دسته اول، واقع در استان آذربایجان غربی، به معرفی و بررسی کلیساهای تادئوس قدیس یا قره کلیسا و کلیسای زرزر می پردازیم و از کلیساهای سرکیس خوی و هفتوان سلماس و چند مورد دیگر.

با عنایت به اینکه نگارنده شش سال سابقه ی فعالیت در میراث فرهنگی آذربایجان غربی را داشته است بر آن شدم در ادامه مباحث فوق ضمن تکمیل فهرست کلیساهای استان آذربایجان غربی تعدادی از مهمترین آنها را در این نوشتار معرفی کنم.

قبل از بحث در مورد پیرامون کلیساهای آذربایجان غربی لازم است نخست به ترویج مسیحیت در ارمنستان و معماری کلیساهای ارامنه اشاره مختصری کنم.

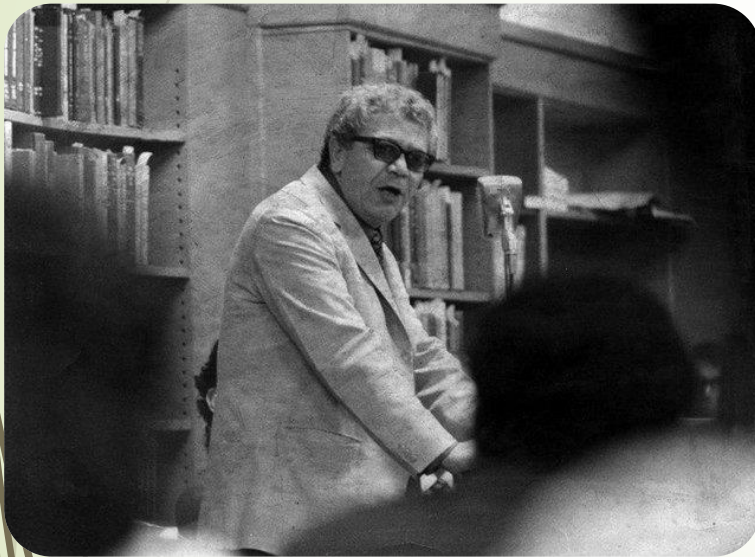




در نیمه های قرن اول میلادی، دو نفر از حواریون حضرت مسیح (ع) به نام های بارطلیموس مقدس و طاطائوس مقدس برای ترویج و تبلیغ مسیحیت از بین النهرین راهی سرزمین ارمنستان شدند و در این سرزمین به شهادت رسیدند. دویست و پنجاه سال پس از آن تاریخ ارمنستان مسیحیت را دین رسمی کشور اعلام کرد. بدینسان ارمنستان نخستین کشوری است که دین مسیحیت را دین رسمیت داد و آن را پذیرفت. لیکن مهمترین سهم ارمنستان طی قرون پس از گرویدنش به دین مسیح در پیشرفت تمدن و فرهنگ داشته در زمینه معماری بوده است.

در این خصوص ملت ارمنی نقش واسط و رابط بین شرق و غرب را بازی کرده اند. چنانچه هنرشناس و استاد دانشگاه وین، یوهان استرزیووسکی، در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده که معماری مسیحیان قسمتی از ابداعات و ابتکارات خود را به ارمنستان مدیون است. وی معتقد است ارمنستان و ایران برای معماری جهان مسیحیت همان نقشی را داشته اند که یونان برای جهان باستان. ارمنستان که در ارتباط دائم با ایران غیر مسیحی و معماری آن بود ساخت گنبد را که از قرن ها پیش در ایران ساخته می شد از این کشور اقتباس کرد و سپس این هنر به قسطنطنیه، یونان، کشورهای بالکان، فرانسه و ایتالیا راه یافت.

(زاده ۱۰ بهمن ۱۳۰۴ در دامغان -
درگذشته ۴ آذر ۱۳۶۰ در تهران)



اسماعیل شاهرودی

از نخستین شاعرانی است که به شیوه نو نیمایی گرایید. شعر او دارای ستمگیری اجتماعی است و عمدتاً به ستایش انسان و آرزوی سعادت و بهروزی محرومان جامعه می پردازد.

دیدش، گاه تلخ و طنزآمیز است. نیمایوشیج در مقدمه ای که بر کتاب "آخرین نبرد" او نوشته است در مورد شعرهایش می گوید:

"خواننده این اشعار وقتی که کتاب کوچکی {کتاب کوچک شما را} به دست می آورد، نشانی از گوینده ی جوانی پیدا میکند که توانسته است از خود جدایی گرفته و به دیگران بپردازد."

شعر اسماعیل شاهرودی شعری صمیمی و پراحساس، و زبانش زبانی کمابیش ساده و یب پیرایه است.

Վարդան Կաֆացի (Կաֆայեցի, 1615, Թեոդոսիա, Օսմանյան կայսրություն - 1712, Թեոդոսիա, Օսմանյան կայսրություն), հայ տաղերգու, տոմարագետ, գրիչ, հասարակական-եկեղեցական գործիչ: Եղել է տեղի Սուրբ Աննա վանքի վանահայր (1648—1680): 1680 թվականին ձեռնադրվել է եպիսկոպոս և նշանակվել Ղրիմի հայկական թեմի առաջնորդ՝ պաշտոնավարելով մինչև կյանքի վերջը: Հայտնի են Վարդան Կաֆացու տաղերը, որ հորինել է պատմաքաղաքական շարժառիթներով և նվիրել Ղրիմի զանազան եկեղեցիների ու վանքերի: Առավել նշանակալից է «Վարդն է բացուեր առաւօտուն գոյնգգոյն» սկսվածքով տաղը, որում զուգորդվել են բնության գովքն ու վայելքի գաղափարը: Վարդան Կաֆացին օգտագործել է բանահյուսական ստեղծագործություններին հատուկ պատկերներ ու գեղարվեստական այլ հնարանքներ (ժողովրդական երգի կրկնակ, հայրենի սկսվածք և այլն): 1676 թվականին գրել է մի չափածո տոմար: Ընդօրինակել է բազմաթիվ ձեռագրեր:



Антон Дельвиг

Антон Дельвиг был одноклассником и другом Александра Пушкина в Царскосельском лицее. Он писал стихи и «русские песни» — лирику в народной стилистике. На многие стихотворения Дельвига композиторы писали музыку, а некоторые песни позже даже стали считать народными.



یکی از راه های زدودن لایه های فراموشی از
چهره ی ادبیات عامیانه، مطالعه چگونگی تحول
ادبیات طی دهه ها و سده های گذشته است.



Aldo Braibanti (17 September 1922 – 6 April 2014) was an Italian poet, essayist, screenwriter, playwright, director, and visual artist. A communist and anti-fascist, he fought as a partisan in the Italian Resistance, returning to his intellectual pursuits after the war. He dedicated himself to visual arts, cinema, theater, and literature, as well as to myrmecology and ecology.



"No man's knowledge here can go beyond his experience" - John Locke

Angelo Anelli

Angelo Anelli (10 November 1761 – 9 April 1820) was an Italian poet and librettist who also wrote under the pseudonyms Marco Landi and Niccolò Liprandi. He was born in Desenzano del Garda and studied literature and poetry at a seminary in Verona. In 1793 he enrolled in the University of Padua, receiving a degree in Canon and Civil Law two years later. Active in the politics of the Cisalpine Republic in his youth, he was imprisoned twice. His 1789 sonnet on the vicissitudes of Italy under Austrian domination, "La calamità d'Italia" (The Calamity of Italy), was for a long time incorrectly attributed to Ugo Foscolo.

From 1799 to 1817, Anello was one of the "house librettists" at La Scala. His opera librettos include those for Rossini's *L'italiana in Algeri*, Paer's *I fuorusciti di Firenze*, Usiglio's *La secchia rapita*, and Pavesi's *Ser Marcantonio* which later formed the basis for Donizetti's *Don Pasquale*. He largely abandoned his literary career to return to the legal profession in 1817 when he was appointed professor of *procedura giudiziaria* (judicial procedure) at the University of Pavia. He died in Pavia at the age of 58.





تنوع قومی و مذهبی چگونه به هویت سوریه شکل داده است

ریم الشیخ، بخش عربی بی بی سی

سوریه در گذر زمان محل تلاقی تمدن ها و فرهنگ های مختلف بوده است که این کشور را از لحاظ فرقه ای، قومی و فرهنگی به یکی از متنوع ترین کشورهای خاورمیانه تبدیل کرده است. این سرزمین یکی از قدیمی ترین مراکز سکونت بشر در جهان و برخوردار از تمدن های متعددی بوده است. این تحولات فرهنگی و تمدنی از پادشاهی سامی باستان ابلا، ماری و اوغاریت شروه شده و با حکومت هیتی ها، آرامی ها، آشوری ها، بابلی ها و ایرانیان ادامه یافته است.

سوریه بعد ها تحت تسلط اسکندر مقدونی و جانشینان او و سپس روم و بیزانس قرار گرفت تا اینکه تسلط مسلمانان بر آن به ایجاد حکومت امویان منجر شد و آنان دمشق را پایتخت خود قرار دادند.

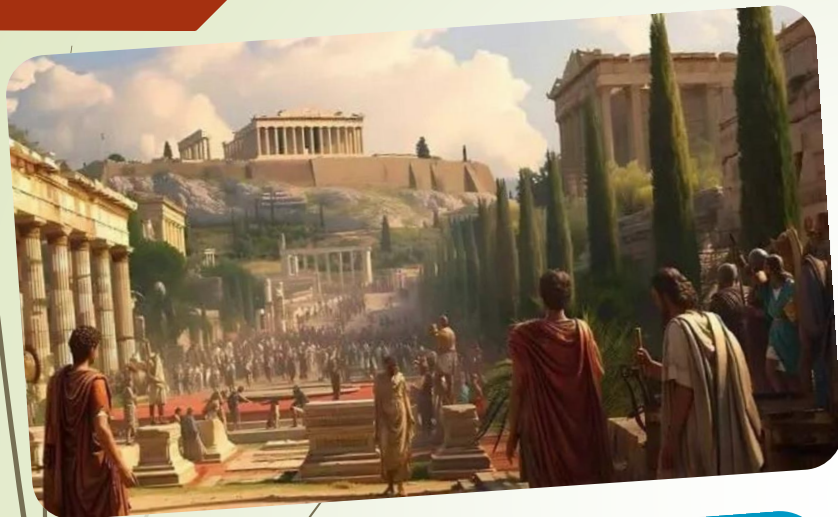
در دوره جدید، عثمانی ها به مدت چهار قرن بر این سرزمین حکومت کردند تا اینکه پس از شکست امپراتوری عثمانی در جنگ اول و تجزیه مستعمرات آن، سوریه تا زمان کسب استقلال در سال ۱۹۴۶ تحت قیومیت فرانسه قرار گرفت.

به این ترتیب این سرزمین تاریخ متنوعی را تجربه کرده است.

در این گزارش به فرقه ها و قیومیت های مذهبی ساکن سوریه می پردازیم که تا و پود هویت سوری را تشکیل می دهند و مواضع آن ها را در مورد اعتراض های سوریه - که در سال ۲۰۱۱ آغاز شد- و سپس جنگ داخلی تا سقوط حکومت بشار اسد در دسامبر امسال دنبال میکنیم.

مادام که سوسیالیسم زنده باشد، رویای ایجاد تمدنی با
سیمای انسانی هم زنده خواهد بود، جامعه های پس از
فروپاشی هم باز روی پای خود می ایستند و تکاپوهای
دیگرسان آنها هم آغاز میشود.

حکومت



شکل گرایی اورپیدس در پرداخت پیش درآمد نمایشنامه ها، پرشش و پاسخ دونفری، موزونی گفتار و گاه استفاده او از گره گشایی به دست خدایان جلوه می کند. اورپیدس برای بیان نظریات تازه اش تغییر بسیاری از فنون کهن را ضروری می بیند.

شاید چشمگیرترین تحول در مار او در شخصیت پردازی باشد. او از تصویر کردن مردان و زنان به صورت نیم خدایان و پهلوانانی با سرشت فوق انسانی دست می کشد؛ در عوض، شخصیت هایش را انسانی تر و به مردم عادی نزدیکتر ترسیم می کند. سوفوکلس می گوید که او خود، مردم را چنان که باید باشند تصویر می کند در حالی که اورپیدس آنها را چنان که هستند. اورپیدس روانشناسی چیره دست است، بویژه در توصیف و تصویر زنان - هم زنان نجیب و هم زنان بدهیبت.

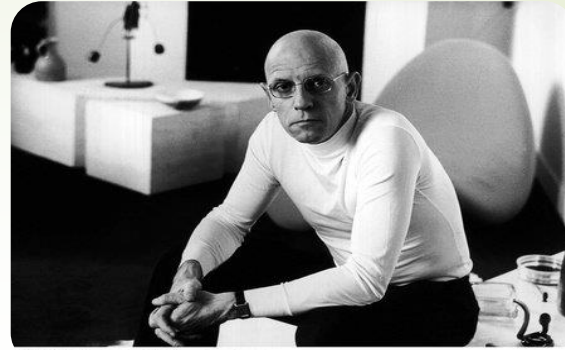
اورپیدس در پرداخت طرح نمایش نیز ابتکاراتی دارد. در درامهای او مضامین احساساتی و شورانگیز، ملودرام و تاثیرات تکان دهنده اغلب جای سادگی صرف آثار ایسخولوس را می گیرد. اورپیدس از توصیف جنون و دخالت دادن خدایان در گره گشایی به منظور ایجاد وحشت در بیننده لذت می برد. او از کودکان هم برای انگیزش احساسات بهره می گیرد.

سی رایت میلز



میلز (۱۹۱۶-۱۹۶۲) جامعه‌شناس آمریکایی است که نقدهای بحث برانگیزی را درباره‌ی جامعه‌ی معاصر و عملکرد جامعه‌شناختی، به‌خصوص در کتاب خود «تخیل جامعه‌شناختی» مطرح کرده است. او همچنین به مطالعه‌ی قدرت و طبقه در کتاب «نخبگان قدرت» (۱۹۵۶) پرداخته است.

میشل فوکو



فوکو (۱۹۲۶-۱۹۸۴) نظریه‌پرداز اجتماعی، فیلسوف، مورخ، روشنفکر و کنشگر فرانسوی بود که به دلیل افشای روش‌های «باستان‌شناسی» خود تحت عنوان اینکه چگونه نهادها از طریق ایجاد گفتمان‌هایی مردم را کنترل کرده و اعمال قدرت می‌کنند، شناخته می‌شود. در قرن ۲۱ ام، او به‌عنوان نظریه‌پرداز اجتماعی که آثار و نظریه‌هایش خوانندگان زیادی دارد، مطرح است.

در این اثنا بین دو قدرت بزرگ وقت یعنی ایران و روم شرقی جنگ درگیر شد و مدت ۲۰ سال به درازا کشید و در سال ۵۹۱ م خاتمه یافت. در نتیجه پی آمدهای این جنگ بیست ساله بار دیگر ارمنستان به دو قسمت شد که این بار قسمت بزرگی از آن تحت تسلط بیزانس درآمد.

اوضاع ارمنستان غربی

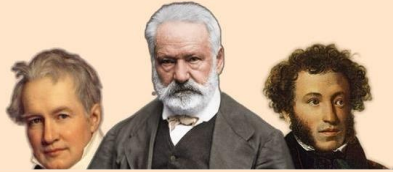
مرزهای ارمنستان غربی که طی ادوار مختلف تحت تسلط امپراتوری بیزانس بود، یعنی: هایک کوچک، هایک داخلی و ارمنستان ناخاراری نظام سیاسی متفاوتی داشتند. هایک کوچک که از رود فرات به سمت غرب گسترده بود از قرن اول پیش از میلاد تحت تسلط رومیان درآمد و در اواخر قرن سوم میلادی جزئی از امپراتوری روم شده بود. لیکن در اواخر قرن پنجم میلادی به دو بخش تقسیم گردید. مرکز بخش اول هایک، سباستیان بود و مرکز بخش دوم هایک، ملیدینه (مالاتیای امروز). این بخش ها از لحاظ نظامی و سیاسی هیچ تفاوتی با سایر قلمرو امپراتوری نداشتند اما در آن ها حکام ارمنی حقوق فئودالی خود را محفوظ می داشتند. هایک داخلی واقع در کرانه های فرازین و میانی فرات غربی و حاشیه های فرازین رود جوروخ از سال ۳۹۱ م یعنی پس از مرگ آرشاک سوم به جزئی از قلمرو امپراتوری بدل شده بود....



رمانتیسم Romanticism

مکتبی است که بیشتر از احساس و عاطفه و خیال پردازی پیروی می کند. پیروان این مکتب در آثار خود زشتی و زیبایی، ثروت و فقر، شکوه و خواری، شادی و اندوه و مانند آنها را کنار هم قرار می دهند. قهرمان های آنها انسانهایی معمولی هستند و نویسنده به بیان ویژگی ها و حالتهای روحی آن ها می پردازد.

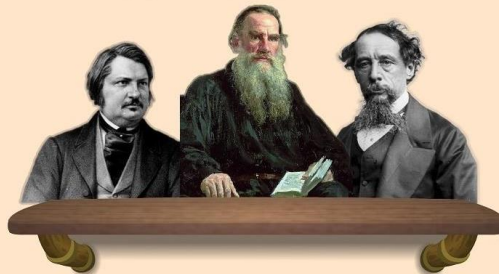
ویکتور هوگو نویسنده فرانسوی، پوشکین شاعر روسی، و گوته شاعر آلمانی، آثار خود را به این سبک پدید آورده اند.



رئالیسم Realism

مکتبی است که بیشتر بر بیان واقعیت های و زندگانی، همان گونه که هست، تکیه دارد. رئالیسم به بررسی دقیق رفتارهای آدمیان، حالت های روحی آنها، و محرومیت ها و بیرحمی ها و فساد جامعه می پردازد و علت های آنها را بیان می کند.

بالزاک نویسنده فرانسوی، تولستوی نویسنده روسی، دیکنز نویسنده انگلیسی، از پیشگامان این سبک بوده اند. مکتب رئالیسم در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی پدید آمد.



سبک های ادبی

که انقلاب کردند!!!



سوررئالیسم surrealism

مکتبی است که بر بیان احساس و اندیشه آزاد، بدون توجه به وابستگی به قاعده های شناخته شده ادبی و هنری تکیه دارد. هنرمندان سوررئالیست از جنبه های ناخودآگاه مانند رویاها، بیماری های روانی و خوابها برای خلق شاهکارهای هنری استفاده می کنند و اغلب باعث ترس و تعجب مخاطب می شوند

از مشهورترین آثار سبک سوررئالیست می توان به داستان قصه از فرانتس کافکا، کافکا در کرانه نوشته هاروکی موراکامی و بوف کور اثر صادق هدایت نام برد



مکتب یا سبک ادبی به معنای مجموعه‌ی جنبش‌ها، سنت‌ها، هنجارها، اندیشه‌ها، نظریه‌ها و ویژگی‌هایی است که به دلیل‌های اجتماعی، سیاسی یا فرهنگی در دوره‌ای خاص در ادبیات یک یا چند کشور نمود پیدا کرده‌اند. مکتب ادبی معمولاً در آثار گروهی از نویسندگان و شاعران رخ می‌دهد و باعث تمایز آن‌ها در سبک، از شاعران و نویسندگان دیگر می‌شود. هر مکتب با پیروانی که برای خود می‌یابد دوره‌ای ویژه (کوتاه یا بلند) را می‌پیماید و سپس باز می‌ایستد. معمولاً پایه‌گذاران هر مکتب خودشان نیز از مشخصه‌های آثارشان آگاه نیستند و دیگران شیوه‌های هنری آنان را مشخص و معرفی می‌کنند. البته این اصل شامل همه مکتب‌ها نمی‌شود زیرا مکتب‌هایی هم بوده‌اند که بنیان‌گذاران آن‌ها دانسته و با تصمیمی آگاهانه بیانیه‌ای درباره مکتب خود صادر کرده‌اند؛ پیش از آن که شیوه‌ای تازه در نگارش آثار ادبی در پیش گیرند؛ مانند سوررئالیسم‌ها....

ناتورالیسم Naturalism

ناتورالیسم مکتبی است که احساس و عاطفه و تخیل را کنار می‌گذارد و بر واقعیت‌های طبیعت و اصول و قانون‌های علمی تکیه دارد. ناتورالیسم، انسان را موجودی اسیر در چنگال غریزه‌های خود و وراثت و قانون‌های طبیعی می‌شناسد.

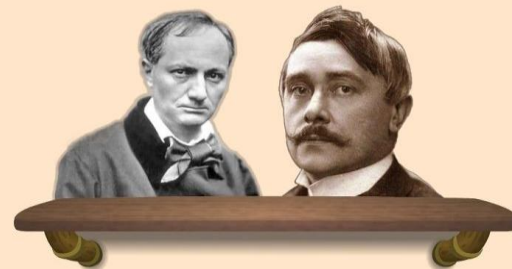
امیل زولا نویسنده فرانسوی، تورگنیف نویسنده روسی، و جورج الیوت نویسنده انگلیسی از پیشگامان مکتب ناتورالیسم بودند.



سمبولیسم symbolism

سمبولیسم مکتبی است که بر احساس و عاطفه تکیه دارد و اندیشه را با اشاره‌های غیرمستقیم بیان می‌کند و از بیان روشن و صریح و مستقیم پرهیز دارد. پیروان این مکتب عقیده دارند که اثر هنری نیز مانند موسیقی است و هر شنونده یا خواننده و بیننده آن باید به نسبت ادراک و احساس خود معنی اثر را دریابد.

موریس مترلینگ، شارل بودلر، پیروان سبک سمبولیسم بودند.



حمله مغولان و پی آمدهای آن



بر روی کار آمدن سلجوقیان اوضاع را برای تغییر سبک مناسب کرده بود و چنان که ملاحظه شد دو جریان شعری سبک بینابین و آذربایجانی از سبک خراسانی فاصله گرفته بودند و به سوی عراقی می رفتند. حمله مغولان و دگرگونی کامل اوضاع اجتماعی یکسره سبک خراسانی را محو کرد و سبک عراقی رواج تام یافت.

مغولان در اوایل قرن هفتم (۶۱۷) به خراسان حمله کردند و بعد به تدریج به نواحی دیگر ایران رسیدند و به نظام اقتصادی و کشاورزی و فرهنگی ایران آسیب های عمده رساندند. خراسان که کانون فرهنگ ایران بود و مدارس و کتابخانه های متعدد داشت و قبلا در حمله سلاجقه و غزان آسیب دیده بود این بار یکسره متلاشی شد. فضلا یا کشته شدند و یا به هند و آسیای صغیر گریختند. ارتباط با کتب قدیم قطع شد و اساتیدی برای تربیت شاگردان فاضل نماندند.

یادی از داریوش رفیعی

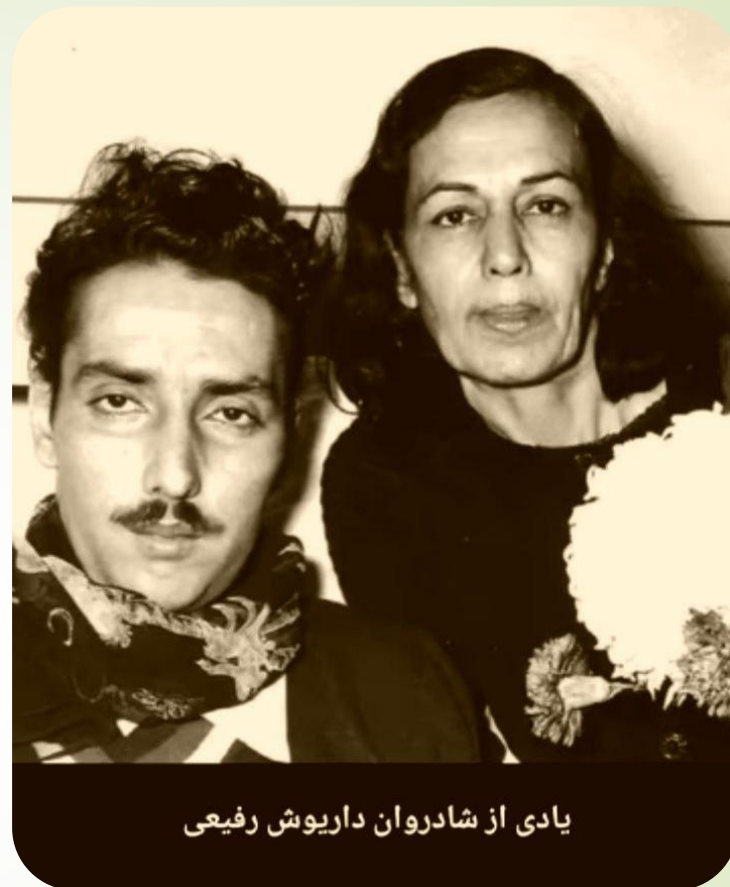
به مناسبت یکمین سال درگذشت برادر ناکامم داریوش رفیعی
داریوش عزیز! یکسال است که این جهان فانی را پشت سر گذارده‌ای! آری یکسال زود گذر
تورفتی و همه ما را در فقدان خود ماتم زده ساختی! ای کاش میدانستی که ما در فراق توجه اشک‌های
سوزانی از دیده فرو ریختیم!

تورفتی! ولی ملین صدای دلنشین تو که از زوایای دات سرچشمه میگرفت و بردمانت جاری
میگشت در گوش ما باقی است و در عالم شبرین آرزو تنها بصدای روح دل‌نواز تو سرگرم و از
خود بی‌خبریم! هم‌اکنون میان پرندگان بهشت پرواز کن و از شبنم گل‌های فروزان آن بنوش و با
آن صدای گرم و دلنشین خود که ما را مجذوب و مسحور خود میساخت با بلبلان انجامم آواز شو،
زیرا صدای روح پرور تو برای همیشه در صفحه ایام باقی است!

خواهر و برادر داغ‌دیده تو: عشرت رفیعی - ممتاز علی رفیعی

نخستین کسی که در ایران
دست به نمایشنامه نویسی زد

میرزا فتحعلی
آخوندزاده است



یادی از شادروان داریوش رفیعی

داریوش رفیعی: تولد ۱۳۰۶/۱۰/۴ بم - کرمان
درگذشت: ۱۳۳۷/۱۱/۲ تهران
مدت درگذشت: ۶۶ سال
آرامگاه: باغ مصفای ظهیرالدوله شمیران - سر
راه گلابدره



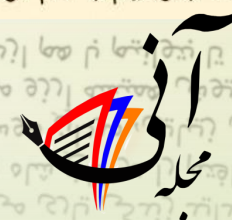
پروین غفاری:

سرپا ایستادم، وقتی به خود آمدم دیدم داریوش رفته. به دنبالش دویدم، از دربان رادیو سراغش را گرفتم، گفت: از در پشتی رفت. با اتومبیل به دنبالش شتافتم، اما پیداش نکردم. یک ماه دنبالش بودم اما نمی‌توانستم پیدایش کنم، چون بیش‌تر اوقات با رفقاییش بود. تا این که جمعه در رادیو برنامه داشت و من هم از صبح زود رفتم رادیو و او ترانه‌ای در همایون بنام "مستم نمودی" اجرا کرد و این‌بار نگذاشتم از دستم در برود. در راهرو با او هم‌کلام شدم تا این که به حیاط رفتیم و از او خواستم برای شب به اتفاق دوست دیگر برنامه‌ای بگذارد. با هزار اشتیاق به خانه رفتم، تهیه و تدارک بساط شب را چیدم. از هر چیزی بهترین را برایش انتخاب کردم، وقتی آمد در کلامش مهربانی و در نگاهش برقی بود که آدم را مجذوب می‌کرد. تا پاسی از شب را با هم سپری کردیم و این قدم‌های اول آشنایی ما بود و کم‌کم به خانه آنها دعوت شدم. به اتفاق جواد بدیع زاده و در ماه‌های اول آشنایی‌مان من برای اولین بار و آخرین بار در عمرم از شخصی خواستگاری کردم، از داریوش رفیعی. اما او هیچ‌گاه قبول نکرد درحالی که همان زمان پرویز خان (باحقی) هم به من ابراز علاقه کرده بود اما من نمی‌توانستم صورت و اداهای داریوش را با چیزی عوض کنم. نشد، قبول نکرد، اما من دست بردار نبودم و هیچ‌گاه نتایجش نگذاشتم.



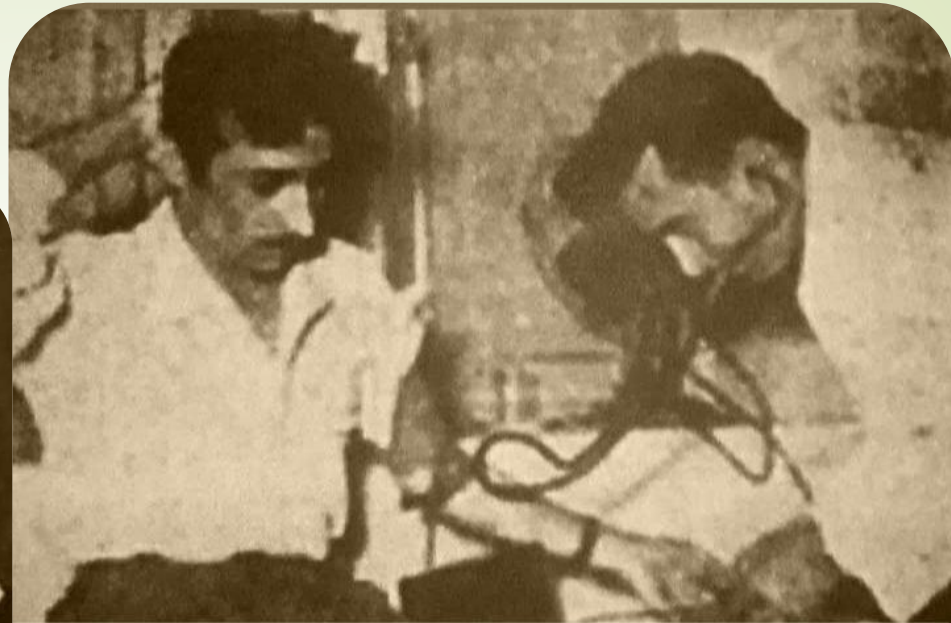
پروین غفاری در خاطراتش می‌نویسد:

در مهمانی‌هایی که منزل من و یا منزل دیگر دوستانم برگزار می‌شد اکثر موسیقی‌دانان و شعرا حاضر می‌شدند و هم‌چون مگسان دور شیرینی در وصف زیبایی من تعریف‌ها کرده و شعرها می‌سرودند. در این محافل بود که با داریوش رفیعی آشنا شدم و این آشنایی بدل به عشقی آتشین شد که جگر هر دوی ما را سوزاند. مرگ داریوش ضربه روحی شدی به من زد چرا که تنها کسی بود که دوستش داشتم و راز درونم را با او باز می‌گفتم. او تمام رازهای زندگی‌ام را می‌دانست و همیشه مرا در تحمل شداید زندگی یاری می‌کرد. او می‌دانست که من هستی و زندگی و شرافتم را در کاخ شاه به تاراج داده‌ام و اینک نیز زنی هستم که به دلیل زیبایی، مردان هوس‌باز و ثروتمند به گرد وجودش می‌چرخند. داریوش همیشه آرزو می‌کرد که می‌توانست اعتیادش را ترک کند تا بتوانیم با هم ازدواج کنیم اما





به گفته پرویز خطیبی در کتاب خاطراتی از هنرمندان: مرگ داریوش رفیعی مرگی غم‌انگیز و پُرسروصدا بود. روزی که تهران از این ماجرا باخبر شد صدها اتومبیل به طرف آرامگاه ظهیرالدوله شمیران به راه افتادند. محوطه گورستان برای آن همه آدم بهت‌زده و غمگین جا نداشت. ناچار گروهی در خیابان‌های اطراف ایستادند. دوستانش بیژن ترقی و پرویز یاحقی دائم در حال رفت‌وآمد بودند. می‌گفتند انجمن اخوان صفا حاضر نبود اجازه دفن داریوش را در گورستان صادر کند زیرا از مدت‌ها پیش شهرداری به خاطر حفظ سلامت ساکنان محل این کار را منع کرده بود. با این‌حال یاحقی و ترقی توانستند مقام دولتی را قانع کنند و جنازه داریوش را با ساعت‌ها تأخیر در کنار مزار قمرالملوک وزیری به خاک سپردند.



پروین غفاری:

من با مهمانی‌های داریوش به شدت مخالف بودم. یک‌بار در همان ابتدا که به خانه قمرالملوک رفتیم و بیژن ترقی و پرویز یاحقی و داریوش رو دیدیم، ساعت ۳ نیمه شب بود و من با لگد به زیر ویولن پرویز یاحقی زدم و سازش شکست و داریوش را از آن جمع بیرون آوردم و همیشه سر این موضوع با هم بارها دعوا کردیم اما هرگز حریفش نمی‌شدم. داریوش از زمانی که پدرش درگذشت افسار گسیخته شده بود. اگر می‌خواست کاری را انجام دهد محال بود کسی جلودارش شود. من فقط دو بار آن‌هم به اتفاق مادر داریوش در مهمانی که در منزل بود یکی از دوستان، دستگاه ضبطی آورد و از این مهمانی نواری هم تهیه شد. من با مهمانی‌های او مخالف بودم چرا که بدن لاغر و ضعیفش تاب این همه بی‌خوابی را نداشت. یک‌بار با برنامه‌ای که از قبل با مادرش ترتیب داده بودیم و با دکتري که در بیمارستان از آشنایانم بود او را چند روز بستری کردیم تا استراحت کند. من روی زمین زیر پایش می‌خوابیدم اما فرار می‌کرد خودش نمی‌خواست، می‌گفت: من همینم که هستم، اگر مرا می‌خواهی باید همین‌طوری بخواهی!

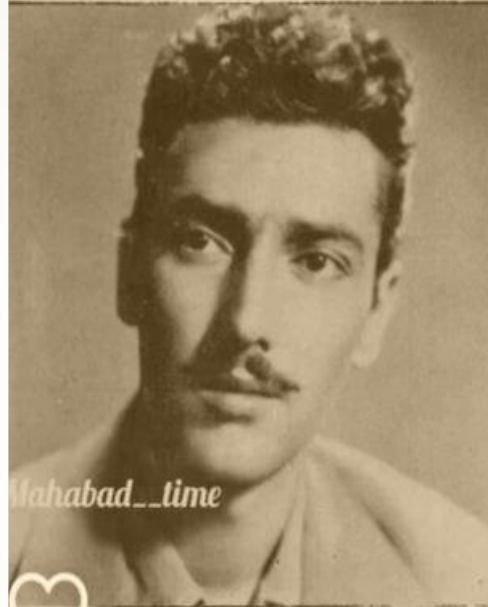
سیدکبری رحمتی:

داریوش یکی از بهترین و زیاده‌خواه‌ترین نوازندگان ایران بود. او در تهران متولد شد و در آنجا به نوازندگی پیوست. او در جوانی به تهران مهاجرت کرد و در آنجا به نوازندگی پیوست. او در جوانی به تهران مهاجرت کرد و در آنجا به نوازندگی پیوست.

بوردیو معتقد است که افراد تحت تاثیر خاستگاه اجتماعی خود، با دانش فرهنگی مختلف و با برخورداری از سرمایه فرهنگی مختلف وارد نظام آموزشی میشوند.



نامه عجیب از یک دختر برای مرحوم داریوش رفیعی



Mahabad_time

درین نامه‌هایی که همه هفته بدفتر مجله جوانان میرسد گاهی اوقات به مطالبی برمی‌خوریم که ذکر آن برای خوانندگان خالی از لطف نیست.

در هفته گذشته نامه‌ای از یک دوشیزه اهوازی بدست ما رسید که طی آن خواسته بود نامه‌اش را همراه باشعریکه برای داریوش رفیعی سروده بود بدست آن مرحوم که سالیان دراز بیست از میان ما رفته برسائیم. این دختر خانم که معلوم است در این دنیای شلوغ، شلوغ، شلوغ از اخبار و حوادثی که روی میدهد بی اطلاع است در نامه خود چنین نوشته:

داریوش جان:

بیوقا بیوقا

خدایا چرا دل یارمن مثل یه سنگه
همش از مهر و وفادل من حرف می‌زنه
دل اون بیوقا پراز نیرنگ و ریاست
دل من جای مهر و محبت و وفاست
خدایا دل اون بیوقارو بسوزون
که دل من وبه آتش کشوند
اون دوتا چشم سیاش بخدا کشته منو
اون دوتا چشم سیاش بخدا کشته منو

امیدوارم سلام گرم و صمیمانه مرا بپذیرید، من دختری هستم کلاس سوم متوسطه که همیشه آوازهای دلنشین شما را گوش میدهم و یکی از طرفداران صدای شما هستم و برای اینکه علاقه زیادی به صدای شما دارم این شعر را می‌فرستم و امیدوارم که پذیرفته شود و اگر مایل باشید شعرهای دیگری نیز برایتان می‌فرستم که روی آن آهنگ بسازید و اگر مایل باشید اسم مرا بدانید.... است. متشکرم.

۴۴۰



۲۱

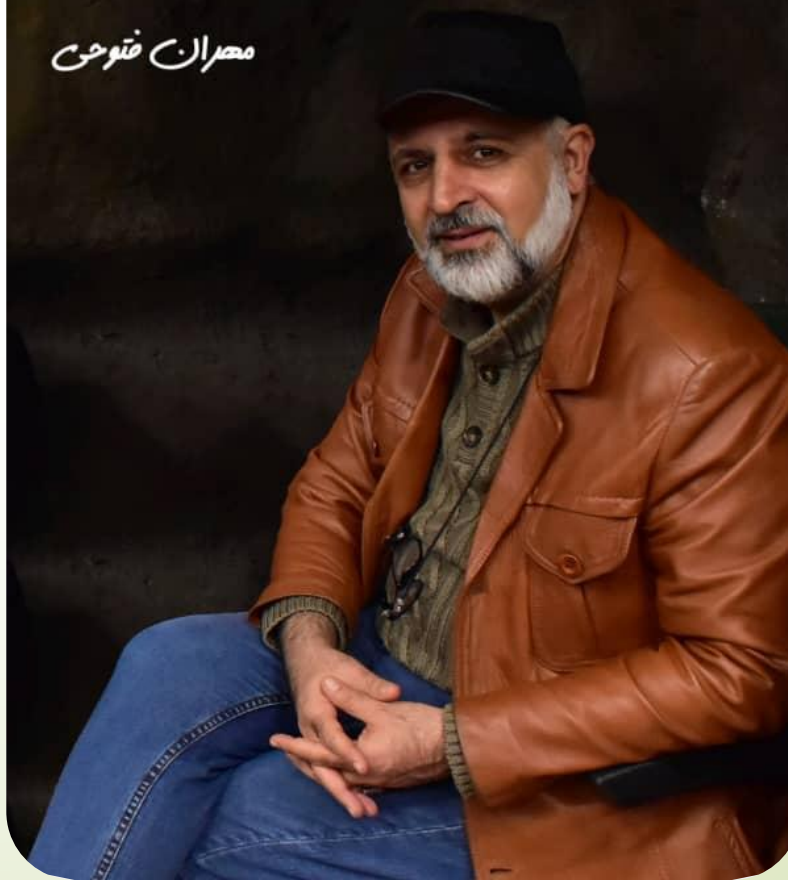
سبک، صدای ذهن
نویسنده است.

از انجاد سال هزار و سیصد و زمستانی که نیستی

و در کشاکش بوران نبودت

چند بوسه بین ما رد و بدل نشده که سپیدایم اینمه سیاهند

مهران فتوحی



جلجتای غرور

بر من بیار باده ی اسرار عشق را
پلکی بزن ، برقص در آینه ی سرور

محض دلم ، بیا به سرانجام قصه ها
بانوی جلجتای تراشیده از بلور

👉 #محمد_جوکار (یاس خیال)
#مینا_ایاز 📞

🍁🍁🍁
<https://telegram.me/yasekhial1>
🍁🍁🍁



ای شعله های باکره ی خواهش حضور
در صحبت نتانت هر سوره ی غرور

رویای ناتمام فراز هزاره ها
بدرود قله های مه آلود دور دور

پس لرزه های ثانیه های کلافگی
تکرار جاودانه ی شب های سوت و کور

ای رقص گنگ قافله ی شهر تار و مار
در شیشه ی مداوم تب های ناصبور

امشب مرا ببر به کمینگاه چاره ها
فواره های نغمه ی مستانه ی زبور

امشب مرا به مستی عریان خود بخوان
پاشویه کن مرا به مزامیر تشت نور

من از عطش
من از سراب
من از کویر
زنده ماندم
آنچه مرا کشت
گلدانی بود که هرگز گل نداد



اندیشه های روشنفکرانه
و ذهن گرایانه دهه
۱۹۶۰ که عموما از
فرانسه برخاسته
اند، تقریبا همه ناشی از
شرایط پر تناقض این
دوران است.



وقتی سزای آینه بودن شکستن است
باور نمی کنم که جهان جای دیدن است
غفلت اگر کنی به تو فرصت نمی دهند
آری مرام گرگ همیشه دریدن است
حجم قفس جهنم جاوید آرزوست
زیرا پرندگی همگی در پریدن است
در نوبهار شاخه گلی بر درخت نیست
در ذهن باغ باد جنون در وزیدن است
بیهوده است ایده ی با هم یکی شدن
وقتی بنای عمر عبث بر دویدن است
باید برای پنجره برهان بیاورم
اینجا هوا، هوای وقیح شکستن است
نوبت به ما رسید و دل آسمان تپید
آغاز ما همیشه به پایان رسیدن است



وفخار مرگم که بخشش ز وجودتم روزت مبارک

وارد گلفروشی شدم!
نگاه من به دنبال گل بنفشه می گشت.
گلفروش گفت:
_می تونم کمکت کنم؟
گفتم:

مادرم فقط گل بنفشه دوست داره از صبح تا حالا این
دهمین گلفروشی است که من رفتم گشتم.
گلفروش گفت:

_ اگر تمام دنیا رابگردی در این فصل، گل بنفشه پیدا
نمی کنی، فقط سالی یکبار گل بنفشه! آن هم فصل بهار
می آید و زود تمام می شود.

این گل، مانند بعضی از آدم هاست، که خودشان مانند
گلند و عمر کوتاهی دارند گلفروش گفت:

_خوب به مادرت بگو که، فصل بهار که شد برایش، گل
بنفشه می بری،

گلفروش چند شاخه گل برداشت اورا تزیین کرد و گفت:
_بفر مایید.

از گلفروشی بیرون آمدم با خودم تمرین می کردم که
چگونه به مادرم بگویم که گل بنفشه پیدا نکردم ،
دستم از گل بوی عطر گرفته بود.
به جایی رسیدم که مادرم،

(شانزده سال) بود در آن جا، آرام گرفته بود!
سلام کردم در حالی که دسته گل را روی قبر
مادرم می گذاشتم لحظه ای لبخند دلنواز او را
دیدم.

مادرعزیزم ! انشالله برای عید ، برایت گل بنفشه
می یارم.

نگاهم به دنبال مادرم می گشت.
اشک هایم روان شدند به سوی دست
آن را رها کنم سیلی شدند به دشت

#طاهره_ترسلی

نام داستانک! روز مادر
۱۴۰۳/۱۰/۲



به قلم آنتیا آرزومانیان

عریانی رویاهایم را
 همراه قطرات باران
 بر خاک خشکیده بی عدالتی
 پشت درهای قفل شده آزادی
 به دستان یهوه می سپارم
 تا شاید ناله هایش را
 همراه صندوق چوبی ای
 از کلمات رنج کشیده
 درون دیوارهای سنگی تاریخ دفن نماید.

گافمن (۱۹۶۳) انگ را داغ رسوایی
 اجتماعی تعریف کرده است که از روابط
 اجتماعی نشئت می گیرد و افراد انگ
 خورده را در حوزه پذیرش اجتماعی در
 جامعه مردود و مردود می کند

به قلم زیبا آقای جواد گزنلو

آغاز ششمین روز فصل سپید
 یادآور شکفتن غنچه ی حیات من
 من فرزند دی ماه ام
 هم‌نژاد سرما
 دلم به سپیدی برف
 ولی لحظه هایم به رنگ شب
 کاش همیشه درخت زندگی ام
 میوه دلخوشی بدهد



Sonetto XVII – Pablo Neruda

Non t'amo come se fossi rosa di sale, topazio
o freccia di garofani che propagano il fuoco:
t'amo come si amano certe cose oscure,
segretamente, tra l'ombra e l'anima.

T'amo come la pianta che non fiorisce e reca
dentro di sé, nascosta, la luce di quei fiori;
grazie al tuo amore vive oscuro nel mio corpo
il concentrato aroma che ascende dalla terra.

T'amo senza sapere come, né quando, né da dove,
t'amo direttamente senza problemi né orgoglio:
così ti amo perché non so amare altrimenti

che così, in questo modo in cui non sono e non sei,
così vicino che la tua mano sul mio petto è mia,
così vicino che si chiudono i tuoi occhi col mio sonno.



Либо вы управляете
ВАШИМ ДНЕМ, ЛИБО ДЕНЬ
управляет вами.



A Simile Like Love, A Metaphor Is Love -

(love is like)

**Love is like a painting
filled with all colours and shades
love is like a bleeding heart
cut with many sharp blades
love is like a never ending story
that always begins with a kiss
love is like a space everlasting
that fills bitterness with bliss
love is like the circle of eternity
always there to take for free**

(love is)

**Love is an open clear pool
where no hate can dare swim
love is a captured sunset
where the warmth never grows dim
love is desire held in the eye
that spreads quickly to the heart
love is a black starry night sky
a metaphor of glorious art
love is a deep dark hole of mystery
always there to take free**



Агния Барто
Слон

**Спать пора! Уснул бычок,
Лег в коробку на бочок.
Сонный мишка лег в кровать,
Только слон не хочет спать.
Головой качает слон,
Он слонихе шлет поклон.**



ادبیات (یا ہر اثر ادبی) فراوردہ ای جمعی است کہ در رابطہ
دیالکتیک ذہن خود آگاہ و ناخود آگاہ ادیب تحقق می یابد.

Ա՛խ քեզ ինչպե՛ս ասել, որ քեզ հիշում եմ դեռ,
 Ինչպե՛ս չասել, որ դու դեռ թանկ ես ինձ համար,
 Ինչպե՛ս մեզ բաժանող արգելակը քանդել,
 Ինչպե՛ս չգալ քեզ մոտ, ինչի՞ համար:

Ինչպե՛ս չասել, որ

դու, միայն դո՛ւ չես թախծում,
 ինչպե՛ս ասել, որ ես ծնվել եմ քեզ համար,
 Ինչպե՛ս չասել, որ ես միշտ էլ քեզ եմ տենչում,
 Սակայն ինչպե՛ս ասել, ինչի՞ համար:

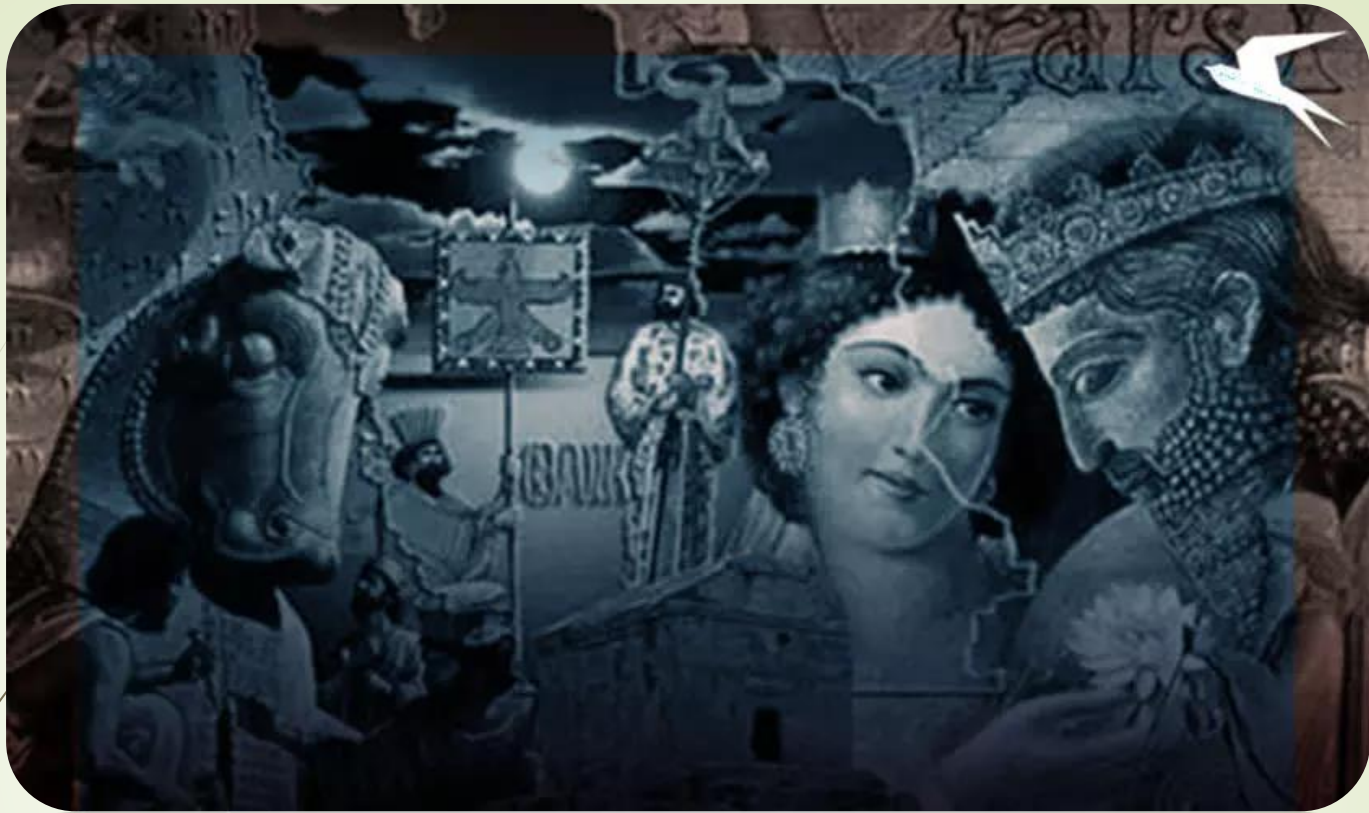
Չե՛ որ բաժանվեցինք կարծես մեր ցանկությամբ,
 Եվ այսօրը պարզ էր և ինձ, և քեզ համար...
 Հիմա ինչու՞ ցավել անցած երջանկությամբ,
 Եվ չցավել՞, ինչու՞, ինչի՞ համար:

Ինչպե՛ս, ինչպե՛ս ասել

Նորից արի, արի՛,
 Ինչպե՛ս չասել, որ ես ապրում եմ քեզ համար:
 Գեթ չխոստովանե՞լ ցավը մեր սրտերի,
 Խոստոնովանե՞լ, ինչու՞, ինչի՞ համար

Պարույր Սևակ





جشن‌های دیگان در روزهای یکم، هشتم، پانزدهم و بیست و سوم ماه دی برگزار می‌شدند که مناسبت آن، همنام شدن روز و ماه در تقویم ایرانیان بود.

جشن‌های دیگان، از کهن‌ترین آیین‌های ایرانیان باستان، نمادی از پیوند انسان با طبیعت و ستایش خدایان در اوج سرما و روشنی زمستان بوده‌اند. این جشن‌ها، که در دهمین ماه سال برگزار می‌شدند، فرصتی برای اتحاد و شادی و نیایش پروردگار بودند. جشن‌های دیگان شامل چهار جشن می‌شدند که با نام‌های «اورمزد-دی»، «دی به آذر روز»، «دی به مهر روز» و «دی به دین روز» معروف بودند.

Pourquoi 25 Décembre? Pourquoi 6 Janvier?

Le 25 décembre n'est pas l'anniversaire du Christ parmi les chrétiens iraniens et ils le célèbrent 12 jours plus tard, car Christmas ou Noël est en fait un jour de célébration pour les chrétiens orthodoxes, alors que la plupart des chrétiens iraniens sont membres de l'Église arménienne.

Cependant, les autorités officielles les félicitent pour Noël et ne prêtent pas attention à ce point historique, et cela a été tellement répété que les chrétiens iraniens ne prennent pas la peine de s'en souvenir, et bien sûr, les zoroastriens critiquent aussi pourquoi ils félicitent la naissance du Christ. et pas l'anniversaire de Zoroastre. Ils demandent quel nom est lié à l'Iran ? Il est à noter que l'occasion calendaire (6 Farvardin, jour zoroastrien) n'est pas prise en compte.

Je ne suis pas resté à l'écart de la discussion sur les différences entre les chrétiens iraniens et les chrétiens occidentaux concernant la naissance du Christ. La raison de la différence est que le christianisme a en réalité deux branches : orientale et occidentale, et dans la branche orientale (orthodoxe), ils ont essayé de préserver leurs différences avec le christianisme occidental, y compris les catholiques et les protestants.



Les chrétiens iraniens croient que dans les premiers siècles du christianisme, ils célébraient également la naissance et le baptême du Christ le 6 janvier, et bien que d'autres aient accepté de le changer, cela a été préservé en Iran et, fait intéressant, ils ont été mélangés aux traditions iraniennes de manière telle. Ainsi, la nuit de la naissance du Christ, selon leur propre récit, les Américains ne mangent pas de dinde remplie de légumes et de poisson comme le soir du Nouvel An iranien. Bien sûr, les Iraniens chrétiens suivent la tradition du sabzipelo (pilaf des légumes) avec du poisson la nuit de Nowruz Eid, tout comme les autres Iraniens, et en fait ils l'ont doublée.

Ardak Manoukian, le regretté archevêque arménien de Téhéran (dont nous avons vu la photo à côté de l'Imam Khomeini dans de nombreux magasins arméniens), a expliqué pourquoi le jour de Noël a changé du 6 janvier au 25 décembre:

»C'est après le IV^e siècle après JC que, avec l'approbation de l'Église catholique romaine, on célébrait la naissance du Christ le 25 décembre et le baptême le 6 janvier. Avant cela, ils célébraient tous le 6 janvier comme la naissance du Christ (et le baptême).

En 274 après JC, César Aurèle construisit un magnifique temple pour le Dieu Soleil, et au siècle suivant, César Jules l'honora davantage comme un dieu soutenant l'autorité des Césars. À l'emplacement actuel du Vatican se trouvait le temple de Mithra, qui était le temple le plus luxueux de Rome.

Le temple de Mithra a été respecté, soigné et vénéré après la construction de l'église Saint-Pierre. Afin de mettre fin à la célébration de Mithra le 25 décembre, les



autorités de l'Église romaine ont convenu de célébrer la naissance du Christ à la même date. de la célébration de la naissance du dieu soleil Célébrez comme l'anniversaire du soleil de justice. Ainsi, en 451 après JC, pour mettre fin à la célébration du dieu soleil, l'Église romaine a déclaré le 25 décembre comme anniversaire de Jésus. Après un certain temps, le monde chrétien tout entier a finalement accepté cette histoire. Mais les Arméniens sont restés fidèles à l'ancienne coutume et célèbrent toujours la naissance et le baptême le 6 janvier. »

Trois autres points sont supplémentaires ou probables : Premièrement, que les adeptes des religions créent ou conservent leurs propres signes lorsqu'elles se divisent en différentes branches. Tout comme dans l'Islam, les musulmans sont unis dans la Qiblah, mais il existe une différence entre chiïtes et sunnites dans le type d'ablution, sceller ou non, serrer ou dénouer les mains pendant la prière, l'anniversaire du Prophète et l'Aïd al-Fitr.

Deuxièmement, la plupart des chrétiens iraniens ne suivent pas l'Église catholique. Il est donc peu probable que si le pape François se rend à Téhéran, ils l'accueillent comme les chrétiens latino-américains. En outre, ils ont également un aspect historique et racial, ce qui n'est pas le cas. juste une question religieuse.

La troisième est que tous les quatre ans, le 25 décembre est parallèle au jour 5 Day (un mois iranien). Le cinquième Day est célébré par les zoroastriens comme l'anniversaire de la mort ou du meurtre d'Ashu Zoroastre, et peut-être que les chrétiens d'Iran ne voulaient pas que ces deux événements (la naissance du Christ et la mort de Zoroastre) soient parallèles.

این شهر حتی یک چراغ راهنمایی هم ندارد

به گزارش سرویس ترجمه خبرگزاری ایمناء، طرح‌بندی شهرستان تکس چین بر اساس مفهوم باگوآ (هشت جهت) است. این فلسفه باستانی چینی بر هماهنگی و تعادل تاکید دارد؛ اصولی که در طراحی خیابان‌های این شهرستان منعکس شده است. تکس دارای چهار جاده کمربندی است که ۶۴ خیابان را با هشت مسیر اصلی مرکز محور، به هم متصل می‌کند. این پیکربندی جریان ترافیک روان را تسهیل می‌کند و ازدحام را به حداقل می‌رساند و امکان سیستم حمل و نقل سازمان یافته تر و کارآمدتر را بدون نیاز به چراغ‌های راهنمایی فراهم می‌کند.



شهرستان تکس Tekes، واقع در منطقه خودمختار اویغور چین، به دلیل رویکرد منحصر به فرد خود در برنامه ریزی شهری، به ویژه تصمیم برای نداشتن چراغ راهنمایی مشهور است. این ویژگی متمایز توجه بین‌المللی را به خود جلب کرده است و تکس را به عنوان نمونه قابل توجهی از طراحی نوآورانه شهر متمایز می‌کند.

این شهر حتی یک چراغ راهنمایی هم ندارد تاریخچه مدیریت ترافیک

در سال ۱۹۹۶، دولت محلی تصمیم به حذف تمام چراغ‌های راهنمایی در شهرستان تکس گرفت. این اقدام یک حرکت استراتژیک بر اساس مشاهده این واقعیت بود که تکس هرگز ترافیک قابل توجهی را تجربه نکرده بود. در نتیجه، نبود چراغ راهنمایی نه تنها تردد را ساده کرده است، بلکه به تجربه رانندگی منحصر به فردی کمک کرده است که در آن دوربرگردان‌ها و تقاطع‌های مهندسی شده، جریان وسایل نقلیه را به طور مؤثر مدیریت می‌کنند.

هر خیابان در تکس با چراغ‌های خیابانی با رنگ‌های متفاوت آراسته شده است که در عین حفظ عملکرد، جذابیت بصری منطقه را افزایش می‌دهد. این طراحی حس نظم و زیبایی شناختی را ترویج می‌کند و با زیربنای فلسفی چیدمان چینی همسو می‌شود. نبود چراغ راهنمایی، رانندگان را تشویق می‌کند تا هوشیارتر و با ملاحظه‌تر نسبت به یکدیگر رفتار کنند و رویکردی جامعه‌محور را در استفاده از جاده تقویت کنند.



طراحی شهرستان تکس منعکس کننده ارزش‌های فرهنگی گسترده‌تری است که در جامعه چین نهفته است. تکس به عنوان الگویی برای سایر مناطق جهان با در نظر گرفتن رویکردهای جایگزین در مدیریت ترافیک و طراحی شهری عمل می‌کند. این شهرستان به عنوان شاهدی بر این است که چگونه طراحی متفکرانه می‌تواند کیفیت زندگی را با حفظ میراث فرهنگی بهبود بخشد.



عناصر موسیقی آفریقایی

ریتم و کوبش ریتم و کوبش در موسیقی آفریقایی بسیار برجسته اند که این بازتابی از آمیختگی موسیقی و رقص در آهنگ آفریقایی است. موسیقی آفریقایی اغلب چند ریتمی های پیچیده دارد؛

الگوهای ریتمیک مختلف و متنوع همزمان اجرا و بارها تکرار می شوند. هر نوازنده ریتم خود خود را پی می گیرد و تاکیدهایی نامنطبق بر تاکیدهای دیگران دارد. رقصنده ها به ریتم هر کدام از الگوهای متعدد که بخواهند می رقصند. برای مثال، یکی به ریتم زنگ، دیگری به ریتم جغجغه، یا به ریتم طبل.

گروه های هم نواز کوبه ای، که سازهای اصلی آنها طبل، زیلوفن و جغجغه است، فراوان به کار می روند. سازهای چنین گروه هایی با دقت انتخاب می شوند تا از نظر زنگ و زیرایی متفاوت باشند.

از بدن نیز اغلب مانند ساز کوبه ای استفاده می شود؛ کف زدن، پا کوبیدن، و ضرب نوازی بر ران و سینه در موسیقی آفریقایی متداول است.

سبک اجرایی قسمت عمده ی موسیقی آوازی آفریقا ندا و پاسخ است؛



حالا منابع خبری تأیید کردند که ویل اسمیت، حداقل در این مقطع زمانی قرار نیست در فیلم جدید مجموعه فیلم‌های ماتریکس حضور داشته باشد.

نویسنده فیلم سینمایی **The Martian** یعنی درو گودارد

مسئولیت ساخت این اثر سینمایی را برعهده دارد که علاوه بر کارگردانی، قرار است فیلم‌نامه این فیلم جدید ماتریکس را نیز بنویسد.

اخیرا ویل اسمیت در پستی در اینستاگرام پیامی رمزآلود منتشر کرده بود و به تصمیم خودش برای قبول نکردن نقش شخصیت نئو در فیلم سینمایی «ماتریکس» محصول سال ۱۹۹۹ میلادی اشاره کرد، نقشی که در نهایت به کیانو ریوز رسید و توانست به یکی از نقش‌های برجسته کارنامه هنری وی تبدیل شود.

ویل اسمیت در فیلم جدید ماتریکس حضور ندارد



چندی پیش شایعه شده بود که ویل اسمیت قرار است وارد فرنچایز **Matrix** شود ولی به نظر می‌رسد که در حال حاضر این شایعات واقعیت نداشته‌اند. مدتی پیش کمپانی برادران وارنر خبر از ساخت فیلم پنجم از مجموعه فیلم‌های ماتریکس را داده بود و همین نیز شایعه حضور ویل اسمیت در این فیلم را به همراه داشت.

ویل اسمیت به جای انتخاب حضور در فیلم سینمایی «ماتریکس»، تصمیم گرفت تا در فیلم سینمایی **Wild Wild West** بازی کند که بر باور خودش، برای او مناسب تر بوده است. ویل اسمیت در این پست خودش اشاره دارد که اگر فیلم ماتریکس با او ساخته می شد، نتیجه آن چگونه بود. با این حال، به نظر می رسد که این پست و ویدیو بیشتر مربوط به آلبوم جدید ویل اسمیت است تا حضور او در فیلم جدید ماتریکس.

منبع: variety

ادبیات را باید به مثابه نوعی شبکه ارتباط و مبادله اجتماعی در نظر گرفت. ادبیات بستری مناسب برای مبادله ی اندیشه، عاطفه، آگاهی، تخیل، تجربه ی زندگی است و وسیله ی اصل این مبادله فکری، زبان است.



هر رفتاری علتی دارد و خود به خود انجام نمی‌شود مانند ترس که حتما دلیلی دارد یا آن را می‌دانیم یا نه. انسان سالم در پی کشف علت رفتارها برمی‌آید. اینکه مثلا چرا می‌ترسم و آن علت را رفع می‌کند.

روبرو شدن با واقعیات فردی و اجتماعی

هر فرد سالم توانایی‌ها و ناتوانایی خود را می‌شناسد و آن را قبول دارد البته می‌کوشد محدودیت‌های خود را رفع کند و نسبت به آنها جبهه نمی‌گیرد یا پنهانش نمی‌کند. کشمکش و عدم قبول واقعیات اغلب موجب بروز اختلال روانی می‌شود.

دانستن و ارزش دادن به نیازهای اولیه

بهداشت روانی مستلزم دانستن و ارزش دادن به نیازهای اولیه انسان است. احتیاجات و نیازهای جسمانی و روانی بسیار مهم هستند. بشر دائما از این نیازها تاثیر می‌پذیرد و به نسبت محرومیت و ارضاء آنها رفتارش تغییر می‌کند. بهداشت روانی بر این اصل استوار است که نیازهای جسمانی و روانی هر شخص در هر سنی با شرایط ویژه همان سن باید در نظر گرفته و ارضا شود.

مقابله با مشکلات عاطفی

مشکلات عاطفی جزیی از زندگی محسوب می‌شوند. سلامتی روانی به نحوه برخورد با این مشکلات و یافتن بهترین راه حل برای غلبه بر آنها بستگی دارد. اصول بهداشت روانی قوانین مربوط به سلامت عاطفی و روانی را در بر می‌برد. چگونگی روابط با مردم و توانایی سازگاری با آن مهمترین عامل در احساس خوشی و شادکامی است. بیماری‌های روانی تقریبا همیشه به این حقیقت که بیمار قادر نیست دوست بدارد و عشق بورزد مربوط می‌شود.

داستان زهرمار به قلم زیبای سیده زهره مقیمی (بخش چهارم)

54

بعد هم رو به محسن گفت:

-برو خونه ننهت کارت داره و رفت.

وقتی رفت من و محسن نفس راحتی کشیدیم. من حلوایی که مونده بود رو از جیبم در آوردم و همه رو باهم توی دهنم کردم.

-من میرم خونه ببینم ننهت چی میگه تو هم بعدا دفتر و کتابت رو برام بیار تا مشقت رو بنویسم.

ذوق کردم و در حالی که نمی تونستم با دهن پر حرف بزوم گفتم:

-تو برو من هم میام.

محسن که رفت من یکم دیگه زیر سایه درختها دراز کشیدم دیگه حلوای تو دهنم در حال تموم شدن بود که راه افتادم به سمت خونه داخل کوچه مون که رسیدم همسایه‌ی سر کوچه مون در رو باز کرد.

-مهرعلی جان ننهت کجاست؟

-خونه‌س.

-نبود او مدم خونه تون هرچی صداش کردم جواب نداد.

-تو طویله بود داشت شیر گاوها رو می دوشید.

-باشه پسرم رفتی خونه به ننهت بگو یه قابلمه گذاشتم روی پله‌ها تون اون رو برامون شیر پر کنه صبح میام ازتون می گیرم گاو خودمون نزدیک زایمانشه شیرش خشک شده.

من در جا خشکم زد. حلوای تو دهنم پرید تو گلوم و داشت خفهم می کرد. "وای خدایا قابلمه مال همسایه بوده" سرفه امانم نمی داد. داشت نفسم بند می اومد. پاهام رمق نداشت. "خدایا حالا به ننه م چی بگم؟"

خانم همسایه صدش رو برد بالا تر.

- شنیدی مهر علی؟ فهمیدی چی گفتم؟

من که هم چنان داشتم سرفه می کردم سرم رو تکونی دادم یعنی فهمیدم که چی گفتم.

تو خودم فکر کردم وای بدبخت شدم. حالا چی کار کنم؟

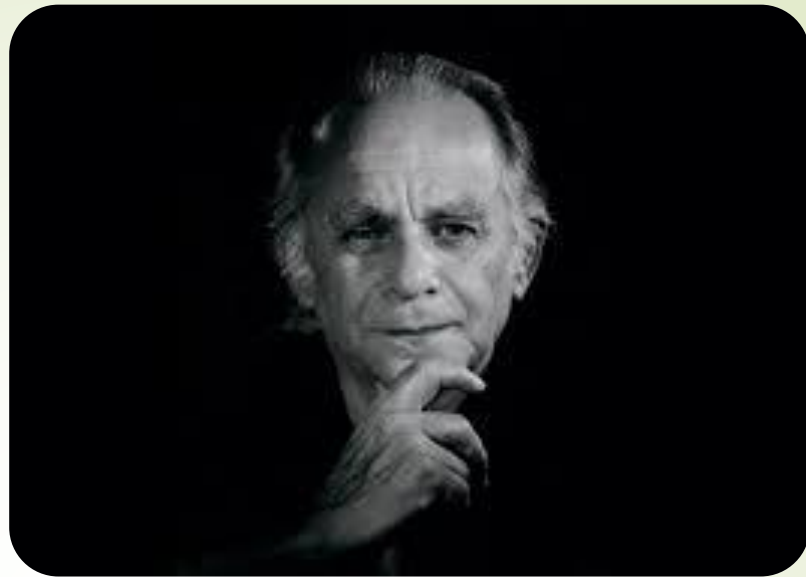
از دلان رد شدم ننه هنوز توی حیاط بود با دیدنم گفت:

- مهر علی این قابلمه شیر رو بردار ببر بذار طبقه بالا کنار اجاق گاز روی ایوون تا خودم پیام بجوشونمش!

رفتم شیری رو که ننه دوشیده بود رو برداشتم و به طبقه بالا بردم همین طور که داشتم از پله ها بالا می رفتم فکری به سرم زد. کیفم رو باز کردم کتاب و دفترم رو برداشتم و رفتم خونه ی عمومینا. خونه عمومینا چسبیده به دیوار خونه ی ما بود محسن رو صدا کردم وقتی اومد دفتر و کتاب رو بهش دادم و درس تصمیم کبری رو نشونش دادم و گفتم هر وقت نوشتی تموم شد بیار خونهمون.

محسن به صفحات کتاب نگاهی کرد. - خدایش خیلی زیاده.





نا یافته

گفتی که :

- "چو خورشید، ز نم سوی تو پر،

چون ماه، شبی میکشم از پنجره سر!"
اندوه، که خورشید شدی،

تنگ غروب!

افسوس، که مهتاب شدی

وقت سحر!

به نام خداوند بخشنده مهربان



به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست
عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

مقدمه

سینما یکی از هنرهای جمعی است که به روایت داستان‌ها و انتقال احساسات از طریق تصاویری متحرک می‌پردازد. این هنر شامل جنبه‌های مختلفی از جمله فیلم‌سازی، بازیگری، نویسندگی، تدوین، موسیقی و طراحی صحنه است. سینما می‌تواند به عنوان یک وسیله برای سرگرمی، آموزش، و انتقال پیام‌های اجتماعی و فرهنگی استفاده شود.

تاریخ سینما به اوایل قرن بیستم برمی‌گردد و از آن زمان تا کنون، تحولات زیادی را تجربه کرده است. از فیلم‌های صامت و سیاه و سفید تا فیلم‌های رنگی و دیجیتال امروزی، سینما همواره در حال پیشرفت و تغییر بوده است.

سینما همچنین به عنوان یک صنعت بزرگ شناخته می‌شود که شامل تولید، توزیع و نمایش فیلم‌ها است. جشنواره‌های سینمایی مختلف در سراسر جهان به معرفی آثار جدید و تقدیر از هنرمندان می‌پردازند.

گفتگو اختصاصی با داود قاسمی امیرلو. تهیه کننده، نویسنده، کارگردان سینما و تلویزیون و رئیس انجمن صنفی بازیگران سینما و تلویزیون تهران.

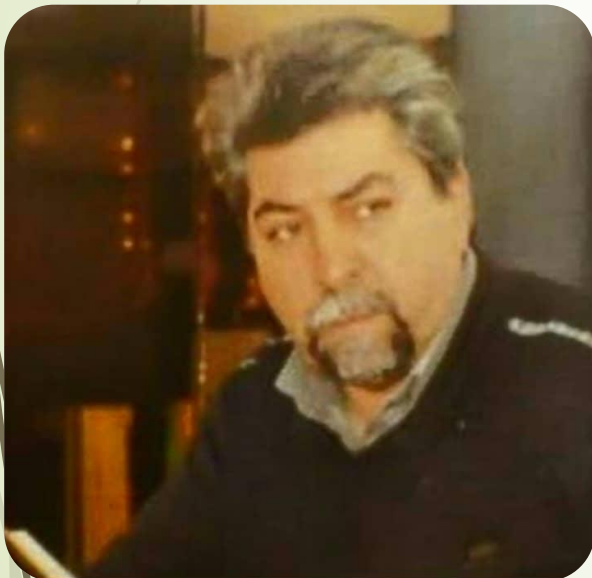
؟در ابتدا در مورد خودتان بگویید. تحصیلات، تجربیات

داود قاسمی هستم، تهیه کننده، نویسنده، کارگردان سینما و تلویزیون دکترای ادبیات نمایشی و در خاتمه رئیس انجمن صنفی بازیگران سینما و تلویزیون تهران. ادبیات هر فرهنگ بازتابی از ارزش ها و دغدغه های مشترک مردم آن را به زبان می آورد که دیگران احساس می کنند. اغلب بدون اینکه از آن احساس آگاهی داشته باشند چیزی که آرزویش را دارند حتی اگر تا قبل از خواندن کلمات هنرمند از آن بی خبر بوده باشند.

ادبیات ایران نیز در دل تاریخ درخششی چشمگیر داشته است. ادبیات فارسی به خصوص در غالب شعر و داستان پیوندی منحصر به فرد را میان زندگی روزمره ی انسان و جهان معنای والا و جاودانگی ها برقرار میکند نه فقط در دوره ای خاص یا از طریق آثار یک هنرمند بلکه به شکل پیوسته دارد.

چگونه وارد صنعت سینما شدید؟ چرا سینما و هنرهای نمایشی

قبل از انقلاب کودک بودم و در تئاتر مرکز رفاه محله صحرارودی در حال فراگیر بودن بازیگری بودم که توسط مرحوم خسروهریتاش انتخاب شدم برای بازی در فیلم سینمایی آدمک که در کاشان فیلم برداری می شد، بعد از بازی در فیلم فوق و گرفتن دیپلم در چهار فیلم سینمایی به کارگردانی کریم آتشی بنام پنجاه روز التهاب - متهم - انتهای قدرت و سلام به انتظار به عنوان مدیر تولید و بازیگری وارد عرصه سینما شدم و در همان حال برای لیسانس وارد رشته هنر شدم از کودکی رویا سینما و بازیگری داشتم.



چگونه تیم بازیگری و عوامل فیلم را انتخاب میکنید؟

سوال شما تعریف زیادی دارد - اول سناریو فیلم جهت تصویب به ارشاد ارائه می شود بعد از تصویب یک تهیه کننده باید معرفی شود و سپس کارگردان، مدیر فیلم برداری، صدابردار، گریمور و تدوین گر، منشی صحنه، مدیر تولید و انتخاب بازیگران در پایان مراحل فوق فیلمبرداری شروع میشود.



هنر از نظر شما چیست؟

هنرها تاثیر مثبت بر توسعه اجتماعی و اقتصادی جامعه دارند ،چون اشتغال آفرین هستندبازار های جدید خلق میکنند.کیفیت زندگی را ارتقا می دهند و موجب تقویت انسجام اجتماعی می شوند.

بزرگترین چالش هایی که در طول تولید با آن مواجه شدید چه بوده است؟

پایه اصلی فیلم تهیه کننده است و من به عنوان بزرگترین چالش باید بگم اول انتخاب فیلم نامه و بعد تامین مسئله اقتصادی و قرار داد با تمام عوامل هست که همیشه چالش های بزرگ هستند و البته گاهی همکاری نمادی ذیل که شاید انجام نشود و سرمایه یک تهیه کننده به خطر افتاده شود.

آیا با بازیگران و تیم تولید همکاری میکنید تا به دیدگاه خلاقانه خود برسید؟

بله باید به عنوان یک کارگردان با تمام عوامل همکاری خوب داشته باشی تا یک فیلم به درجه خوب برسد و نظر خلاقانه شما شکل بگیرد در غیر این صورت باید شکست را قبول کنید؛تمام عوامل حتی تدارک رکن اصلی یک کار گروهی است.

؟ در تول تولید فیلم و برنامه ریزی تغییراتی انجام میشود؟ چرا؟

در اصل در فیلمنامه نباید تغییراتی ایجاد شود مگر خیلی کم در حد متن چون بعد از ساخت ارشاد برای صدور پروانه نمایشی ایراد میگیرد، فیلم توقیف می شود و سرمایه تهیه کننده بر باد می رود اما تغییرات در عوامل به احتمال زیاد شکل میگیرد.

؟ چگونه با فشارها و انتظارات صنعت سینما و تلویزیون کنار می آید؟

هنرهای نمایشی که شامل تمام کارهای تصویری میشود گاهی فشار مسئولان وجود دارد و انتظار من کارهای خوب هنری می باشد که کم ساخته می شود در ایران. سینمای کودک همیشه دیده نمیشود برای همین کار کودک و نوجوان کم ساخته می شود.

؟ شما بیشتر چه سبک فیلم هایی ساخته اید؟

من بعنوان تهیه کننده و نویسنده و کارگردان در چند سبک فیلم ساخته ام فیلم وقتشه بریم فیلم عرفانی بود فیلم بلند بازنشسته بود که از هنرمندان بنام استفاده کردم پلیسی بود. فیلم دخترم فرشته سبک داستانی قرآنی بود و به تازگی فیلم بلند شکوفه های امید در شبک یا ژانر کودک و نوجوان بود/ در حال حاضر فیلمنامه های یاسا قصاص در مورد حکم قصاص دارم سینمای می باشد فیلم سلام بر خورشید- سینمایی کفش صورتی و شرخر که فیلم کوتاه می باشد که تمام فیلم نامه ها ثبت شده شروع بزودی خواهم کرد.





با کدوم هنرمندان پیشکسوت سینما همکاری داشتید.
 بعنوان بازیگر و مدیر تولید وارد عرصه سینما شدم مدیر تولید فیلم های سینمایی انتهای قدرت - سلام به انتظار - پنجاه روز التهاب - متهم که در تمامی این چهار اثر بازیگر نیز بودم در آثار چون شریک من همسرم با فرامرز قریبیان و مهشید افشارزاده - می خواهم زنده بمانم با فرامرز قریبیان و فاطمه گودرزی - جلال مقامی - در فیلم های اشک نرگس - آقای عزیز - نارمک - منشی مخصوص من - بازنشسته - شکوفه های امید و با هنرمندان پیشکسوت با تمامی بزرگان سینما همکاری داشتم - و دوست صمیمی من جمشید مشایخی بودن که افتخار این را داشتم ایشان رئیس انجمن صنفی بازیگران سینما و تلویزیون ایران داشتن و من مدت ۱۶ سال دبیر و عضو هیئت مدیره انجمن فوق بودم.

فیلم های سینمایی یا تلویزیون که از شما پخش شده نام ببرید؟

تمامی فیلم هایی که در سوال قبل نوشته ام در سینما و تلویزیون پخش شده است اما بعنوان کارگردان فیلم بازنشسته، دخترم فرشته - وقتشه بریم به تهیه کنندگی و نویسندگی و کارگردانی خودم پخش شده قابل ذکر است فیلم شکوفه های امید آماده پخش می باشد که هنوز پروانه نمایش را نگرفتم.

در سالهای اخیر چه تحولاتی در سینما به وجود آمده است؟

از نظر من صنعت سینما تا یک سال پیش هیچگونه تحولاتی نداشته است تمامی فیلم های ژانرهای عوامل پسند نداشتن. ولی فیلمهای فاخری از کارگردانان ایرانی حتی اسکارگرفتن و در جشنواره های بزرگ بین المللی دیده شدند.

سینما قبل از انقلاب یا فیلم فارسی چیست؟

کلمه فیلم فارسی زیبا نیست مگر فیلم های قبل از انقلاب فیلم غیرزبان فارسی بود قبل از انقلاب تمام فیلم ها از نظر محتوا خوب نبود مگر چند کارگردان و و فیلم نامه نویس خوب ولی مردم عادی که تماشاچیان اصلی صنعت سینما هستند دوست داشتن ولی از نظر کیفیت خوب نبودن. اما کارگردانان بزرگی داشتیم که آثار فاخری داشتند کیمیایی - مهرجویی - بهرام بیضایی و ...

جامعه ایران بیشتر خواهان چه ژانری هستند؟

در حال حاضر از فیلم های کمدی استقبال می شود و تهیه کنندگان برای برگشت پولشان روی آوردن به اینگونه فیلم ها ولی ما آثار فاخری هم داشتیم. حالا چرا کمدی چون مردم شاد بودن را دوست دارند تا از غم های خود کم کنند.

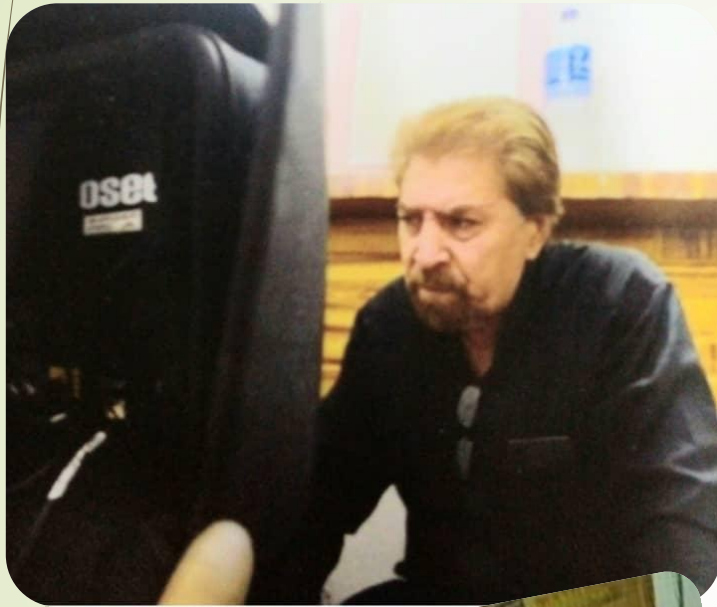


صنعت سینما و هنرهای نمایشی هر کشور
برگرفته از طرز تفکر مردمان و فرهنگ آن
کشور است.؟

بله کاملاً درست است. برای درک تحولاتی که اخیراً در صنایع فرهنگی به وجود آمده آمد. دیجیتالی شدن آثار هنری تاثیر مستقیم در ارائه کارهای فرهنگی می باشد کشور عزیز ایران دارای سابقه چند هزار ساله دارد که سرچشمه هنر خاص و فرهنگی و هنری ایران بیشتر شود. باید به تولید کالاهای ادبیاتی ایران پرداخت. در دنیای امروز مهمترین فرآورده های هنری شامل. کتاب ها، نوآرهای صوتی، تصویری و فیلم های سینمایی و تولید آثار هنری که پدیده ای دیرینه ایرانی است بیشتر پرداخته شود.

در ده سال گذشته چه تحولاتی در سینما و هنرهای نمایشی بوجود آمد.

فضا هنری خیلی بازتر از گذشته شده که میتوان در آثار سینمایی و موسیقی و نمایشی به وضوح دید که نشان از دید باز مسئولین در این برعه از زمان دید.





آیا نوشته هایتان برگرفته از زندگی واقعی است
یا تخیلات یک نویسنده

تمامی نوشته های من برگرفته از فرهنگ و زندگی واقعی است یک نویسنده باید تخیلات داشته باشد که بتواند یک داستان و یا فیلم نامه را ایجاد کند در فیلم نامه ابتدا باید چهارچوب داستان با شروع معرفی افراد در فیلم نامه باشد و بعد ایجاد یک معما و ماجرای که بیننده دنبال کند ادامه داشته باشد و در آخر گره فیلم باز شود و یک پیام فرهنگی اجتماعی برای کل جامعه داشته باشد.

آیا کاراکترهای داستانی شما شبیه شخصیت اصلی شماست.

نویسنده باید داستانی بنویسد که به درد جامعه بخورد و شخصیت داستانش قابل فهم و درک مردم باشد و اگر واقعی نباشد دیده نمی شود.

تا چه اندازه با نوآوری در ادبیات موافق هستید.

صد در صد نوآوری جامعه را خلاق می کند در صنعت سینما الان در جهان هنر هر روز نو آوری می بیند ادبیات در باورپذیری هنر باید باشد ادبیات ناب ایرانی در کتاب های شاعرانی بزرگ ایرانی دیده می شود و ختم این ادبیات در فرهنگ دهخدا خلاصه می شود.

از کدوم نویسندگان هابی ایرانی متأثر بوده اید یا غیر ایرانی.

ادبیات داستانی ایران در طول تاریخش میزبان نام های بزرگ و مهمی بوده است نویسندگان که هر کدوم جهان داستانی خود را داشتند و به ادبیات داستانی ایران افزودند و مسیر ادبیات ایران را تغییر دادند و آثار و ردپایشان در تاریخ ادبیات مانده گار شده اند و آثارشان از سد زمان عبور کرده و هنوز از ستون های ادبیات ایران به شماره می روند.

۱) ابو عبدالله جعفر بن محمد با تخلص رودکی.

۲) ابو منصور دقیقی

۳) ابوالقاسم فردوسی طوسی

۴) ابوالمجد مجدود بنی آدم سنایی غزنوی

۵) فریدالدین ابوحامد محمد عطار نیشابوری

۶) جلال الدین محمد بلخی - ملقب به مولوی

۷) ابومحمد مصلح بن عبدالله شیرازی - متخلص به سعدی

۸) نظامی گنجوی

۹) ابوالفتح عمر بن ابراهیم خیام

۱۰) خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی

نویسندگان ایرانی

۱) جلال آل احمد

۲) سیمین دانشور

۳) صادق چوبک

۴) صادق هدایت

۵) محمدعلی جمال زاده

۶) محمود دولت آبادی

۷) غلام حسین ساعدی

۸) نادر ابراهیمی

۹) عباس معرفی

۱۰) ایرج پزشک زاد

۱۱) ابراهیم گلستان

۱۲) رویا پیرزاد

۱۳) بلقیس سلیمانی

۱۴) فریبا وقی

بزرگترین نویسندگان تاریخ غیر ایرانی

۱) هومر

۲) ویلیام شکسپیر

۳) چارلز دیکنز

۴) ویکتور هوگو



- (۵) جورج اورول
 (۶) ژول ورن
 (۷) ارنست همینگو
 (۸) داستایوفسکی
 و.....

در خاتمه سخنی برای هنرمندان تازه کار و هنر دوستان که دوست دارند
 وارد حرفه سینما و نویسندگی شوند چیست؟

من کوچکترین عنصر این هنر هستم و خاک پای مردم. اما من در مصاحبه اختصاصی در
 یک نشریه بنام هنرمند داشتم که گفتم در ایران در تمامی زمینه های هنری شامل تمام
 هنرهای که داریم این بوده هیجده هزار هنرمند داریم و دوازده میلیون کلاهدار هنری،
 اگر جوانان میخواهند وارد این حرفه های شوند باید مواظب این کلاهداران هنری باشند
 بدون تشخیص اینکه این افراد حقوقی و حقیقی هستند جای مراجعه نکنند در خاتمه هنرمند
 الگو نسل هنر دوست است باید خیلی مراقب کارهای خود باشد چون هنرمند شناخته شد
 دیگر متعلق بخودش نیست او الگو جامعه است.

تشکر از هنرمندان یکی از زیباترین و مهم‌ترین کارهایی است که می‌توانیم انجام دهیم. هنرمندان با خلاقیت و تلاش خود، آثار هنری را خلق می‌کنند که تأثیر عمیقی بر زندگی ما دارند. این آثار می‌توانند ما را سرگرم کنند، به ما الهام ببخشند، احساسات ما را بیدار کنند و حتی ما را به تفکر در مورد مسائل اجتماعی و فرهنگی وادار کنند.

از طریق سینما، موسیقی، تئاتر، نقاشی و دیگر هنرها، هنرمندان ما را به دنیای جدیدی می‌برند و به ما کمک می‌کنند تا تجربیات و احساسات انسانی را بهتر درک کنیم.

بنابراین، ابراز قدردانی و تشکر از هنرمندان نه تنها یک عمل محبت‌آمیز است، بلکه نشانه‌ای از ارزش‌گذاری به هنر و تأثیر آن بر جامعه است. این تشکر می‌تواند به صورت کلمات، نقدهای مثبت، حمایت از آثار آنها و حضور در رویدادهای هنری صورت گیرد.



**با نهایت سپاس از استاد و هنرمند گرانقدر
جناب آقای داوود قاسمی امیرلو
برای حضور گرمشان در مجله ادبی آنی با
آرزوی سلامتی و سربلندی برای ایشان.**



برای ارسال آثار خود و همچنین داشتن مصاحبه با مجله آنی با شماره واتساپ و تلگرام زیر تماس حاصل فرمایید:



۰۹۲۲۳۷۸۹۱۸۰

t.me/ani_letters
www.ani_letters.com
[@anita_arzoomanian](https://www.instagram.com/anita_arzoomanian)



تنها چیزی که می تواند بی صدا
 فریاد بکشد هنر است.